



وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

ISSN: 1606-9080 • www.roshdmag.ir

روشد

# روشد

ماهنامه آموزشی و تربیتی  
برای هنرجویان هنرستان  
دوره ششم / آذر ۱۴۰۴  
شماره بی‌دری ۴۳  
۴۸ صفحه

۳

چطور از یک فکر خوب یک  
پروژه عالی بسازی؟

۴۶

معماهای بازار کار  
را بشکنید

۳۴

شفافیت؛ کلید جلب  
اعتماد مشتریان

۴



یک دریا گنج مشطرهاست  
جوانان

فصل الفجر

نور





وزارت آموزش و پرورش  
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی  
دفتر انتشارات و فناوری آموزشی

مدیر مسئول / سید سعید بدیعی  
سرمدیر / مهدی عبدالملکی  
مدیر داخلی / الهه قربانی  
طراح گرافیک / جواد صفری  
ویراستار / کبری محمودی  
شورای برنامه‌ریزی / اسفندیار چهارپنده، عباس بیات، محسن بهرامی، حسن آقابابایی، احمدرضا دوراندیش، فاطمه انصاری  
مدیر هنری / کوروش پارسائزاد  
دبیر عکس / اعظم لاریجانی  
چند رسانه‌ای / علیرضا جعفری



### یادداشت سردبیر

## گنج دریا!

کنار دریا روی شن‌های ساحل ایستادن را تا حالا تجربه کرده‌اید؟ برای من همیشه این صحنه پرازرمز و راز بوده است. افق دریا را می‌بینم و چشمم را از چپ به راست روی آب‌ها می‌دوانم تا ببینم این صحنه زیبا کجا تمام می‌شود! زیر این دریا چه خبر است؟ چه مخلوقاتی این پایین هستند که هنوز بشر از آن‌ها بی‌اطلاع است؟ اصلاً از کجا معلوم آدم دریایی نداشته باشیم؛ مثل آدم فضایی؟! بالاخره زیر این دریاها و اقیانوس‌های جهان که بسیاری از آن‌ها را انسان‌ها ندیده‌اند و به عمق آن‌ها نرسیده‌اند، ممکن است هر خبری باشد! یا اینکه جنس شن‌ها و سنگ‌های زیر این حجم از آب چگونه است که این همه آب درون آن نفوذ نمی‌کند و پایین نمی‌رود؟! خلاصه، روبه‌روی دریا که می‌ایستم، مرغ خیالم حسابی برای خودش این طرف و آن طرف می‌رود!

اگر دریا پراست از فرصت و جنوب و شمال کشور عزیز ما پراست از این ساحل‌ها و دریا، چرا ما به فکر بهره‌برداری از این فرصت‌ها نباشیم؟ کشورهای زیادی در دنیا اقتصادشان را از راه دریا می‌گذرانند و آباد می‌کنند؛ از طریق گردشگری، تجارت کالا، محصولات غذایی، محصولات دارویی و صنایع فنی که به امور دریا می‌پردازد و حتی صنایع دستی و جواهرسازی! این‌ها گنج‌هایی هستند که خدا به ما داده است. از همه این گنج‌ها مهم‌تر، دانش آموزان و هنرجوهای هنرستانی هستند که می‌توانند این فرصت‌ها را نقد کنند و کشورمان را آباد.

در تقویم آذرماه، تا چشمم به روز نیروی دریایی افتاد، خواستم در این شماره از مجله، هم به این دلاورمردان خدقوت بگویم و هم به هنرستانی‌ها خبر از یک گنج بدهم؛ گنج دریا.

مهدی عبدالملکی



- ۱ / گنج دریا!
- ۲ / بازاریابی شبکه‌های اجتماعی
- ۴ / سخن‌گفتن اشیا!
- ۶ / جادوی ارتباط‌فنی باش ولی حرفه‌ای ارتباط بگیر
- ۸ / شفافیت کلید جلب اعتماد مشتریان
- ۱۰ / جهت‌یابی و بقادر طبیعت
- ۱۲ / سلامتی
- ۱۳ / آوردن دلیل مناسب
- ۱۴ / همگی باسلامتی دمخور
- ۱۵ / نامه‌ای به نوجوانی
- ۱۶ / من و مسیر عکاسی‌ام
- ۱۸ / فکرش را بکن
- ۲۰ / معماهای بازار کار را بشکنید
- ۲۲ / وقت و بی‌وقت
- ۲۴ / طوفان شن (۳)
- ۲۶ / گندم شاه
- ۲۸ / فرش‌های ذهنی
- ۳۰ / شرایط کار در رشته صنایع چوب و میلمان
- ۳۲ / مشعلی در سرفصل زمستان
- ۳۴ / چشم زمین خیره شده
- ۳۶ / کارآفرین موفق و ناموفق کیست؟
- ۳۸ / حباب دریاهاى جنوب
- ۴۰ / استان زنجان
- ۴۲ / روزنگار
- ۴۴ / فنی و حرفه‌ای در اندونزی
- ۴۶ / چطور از یک فکر خوب یک پروژه عالی بسازیم؟
- ۴۸ / اختراع تاریخچه تلفن همراه

خانواده مجلات رشد همه تلاش خود را کرده است تا این مجله در دسترس عموم دانش‌آموزان قرار گیرد و همه کودکان و نوجوانان میهن عزیز اسلامی مان امکان تهیه آن را داشته باشند.

قیمت: ۳۰۰/۰۰۰ ریال

نشانی دفتر مجله:  
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰  
صندوق پستی: ۱۵۸۷۵ / ۶۵۸۵  
تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۳۱۱۶۱-۹-۹ (داخلی ۵۴۰)  
نمابر: ۰۲۱-۸۸۴۹۰۳۱۶  
وبگاه: www.roshdmag.ir  
پیام‌نگار: honar@roshdmag.ir  
صندوق پستی امور مشترکین: ۱۵۸۷۵ / ۳۳۳۱  
تلفن امور مشترکین: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸  
پیامک: ۰۲۱-۸۸۹۹۵  
چاپ و توزیع: شرکت افست



# بازاریابی شبکه‌های اجتماعی صدای هنرجویان در دنیای دیجیتال

مجتبی یوزین

بازاریابی شبکه‌های اجتماعی در اصل به معنای استفاده از سکوهای برخط برای معرفی کارهای شما، خدمات یا محصولات است که می‌سازید. اینجا تعامل دو طرفه است شما با جواب دادن به نیاز آن‌ها، پیوندی قوی با مخاطب ایجاد می‌کنید

دیگر فهم این موضوع که در دنیای امروز، ارتباطات دیجیتال همه چیز را دگرگون کرده است، خیلی کار سختی نیست. در این شرایط بازاریابی شبکه‌های اجتماعی به ابزاری مهم تبدیل شده است تا افراد بتوانند مهارت‌های خود را به دیگران نشان دهند، آثار خود را معرفی کنند و با کسانی که به کار آن‌ها علاقه دارند، روابط محکمی بسازند.

بازاریابی شبکه‌های اجتماعی در اصل به معنای استفاده از سکوهای برخط برای معرفی کارهای شما، خدمات یا محصولات است که می‌سازید. اینجا تعامل دو طرفه است؛ یعنی شما محتوایی می‌گذارید، مردم نظرمی دهند و شما با جواب دادن به آن‌ها، پیوندی قوی ایجاد می‌کنید. این کار با تبلیغات قدیمی فرق دارد. آن‌ها فقط یک طرفه بودند و بازخوردی نداشتند. در شبکه‌های اجتماعی، فضای برای

حرف زدن با هم فراهم می‌شود. شما چیزی می‌سازید و به اشتراک می‌گذارید، مخاطبان واکنش نشان می‌دهند و شما از این واکنش‌ها برای بهتر شدن استفاده می‌کنید. برای هنرجو، این روش مثل نان شب واجب است، چون رشته‌های شما بر خلاقیت و کار با دست استوارند و شبکه‌های اجتماعی راهی عالی برای نشان دادن این جنبه‌ها هستند. بیشتر این سکوها رایگان هستند و به شما اجازه می‌دهند بدون هزینه زیاد، با مردم شهر خود یا حتی جاهای دورتر ارتباط بگیرید. با محتوای خوب و واقعی، می‌توانید از هیچ شروع کنید و کم‌کم نام خود را به عنوان کسی که کارش کیفیت دارد، جا بیندازید.

برای اینکه بهتر بفهمید این روش چطور کار می‌کند، چند مثال واقعی را ببینیم. اگر در رشته عکاسی هستید، می‌توانید عکس‌هایی از تک‌چهره (پرتره)هایی که گرفته‌اید، در صفحه خودتان بگذارید و زیر آن توضیح دهید چطور نور را تنظیم یا ترکیب عکس را انتخاب کرده‌اید. این کار مهارت شما را نشان می‌دهد و ممکن است مردم را به فکر سفارش دادن بیندازد. در طراحی لباس، می‌توانید محتوایی از مراحل انتخاب پارچه و دوخت لباس را به اشتراک بگذارید و از مردم بپرسید نظرشان درباره طرح چیست؛ مثل طرح زیبایی که هنرجوهای خوزستانی با نگاره‌های مسجد جامع خرمشهر ساختند و دوختند و برای رویداد هنرجوی برتر فرستادند. این کار ایده‌های تازه‌ای به شما می‌دهد و مخاطبان را درگیر می‌کند. این مثال‌ها نشان می‌دهند که بازاریابی شبکه‌های اجتماعی فقط فروش نیست، بلکه راهی برای ساختن گروهی از علاقه‌مندان به دور مهارت‌های شماست.

برای موفق شدن در این کار، باید برنامه‌ای روشن داشته باشید که با رشته شما جور دربیاید. اول، سکوی درست را انتخاب کنید؛ سکوهایی که گفت‌وگو محور جایی هستند که در آن‌ها می‌توانید درباره موضوع‌های فنی رشته‌تان حرف بزنید. سکوهایی تصویری و ویدئویی هم برای ویدئوهای آموزشی مناسب است و کمک می‌کند مراحل کار خلاقانه را نشان دهید. کیفیت محتوا را همیشه اول بگذارید. عکس‌ها و ویدئوها باید نور خوب داشته باشند. زاویه‌های جالب بگیرند و وضوحشان بالا باشد؛ حتی اگر با تلفن همراه کار می‌کنید، چون جزئیات کوچک

فرق بزرگی ایجاد می‌کنند. با مردم فعالانه حرف بزنید. به نظرها و پیام‌ها زود جواب دهید، نظرخواهی کنید، مثل اینکه: «این طرح چطور است؟» و مخاطبان را بخشی از کار خلاقانه خود کنید. از هشتک‌های مرتبط استفاده کنید، مانند #عکاسی\_هنری، #طراحی\_مد\_ایرانی، #مکانیک\_با\_طعم\_آموزش. این‌ها کمک می‌کنند فرسته (پست)های شما بیشتر دیده شوند و کسانی که علاقه دارند، شما را پیدا کنند. همچنین، محتوا را گوناگون کنید؛ ترکیبی از آموزش‌ها، پشت‌صحنه کارهایتان و داستان‌های الهام‌بخش مانند موفقیت‌های هنرمندان ایرانی، مخاطبانی با سلیقه‌های متفاوت را جذب می‌کند و صفحه شما را زنده نگه می‌دارد.

علاوه بر نکته‌های فنی، اصول اخلاقی هم در بازاریابی شبکه‌های اجتماعی مهم هستند، چون این فضاها عمومی‌اند و رفتار شما نشان‌دهنده شخصیت حرفه‌ای‌تان است. همیشه شفاف باشید. اگر پستی تبلیغ است یا با کسی همکاری کرده‌اید، به مردم بگویید تا اعتمادشان را از دست ندهید. از راه‌های دروغین مثل خرید دنبال‌کننده یا تأییدهای ساختگی دوری کنید، چون این‌ها اعتماد را خراب می‌کنند و به شهرت

شما آسیب می‌زنند. وقتی نظر منفی یا انتقادی می‌آید، با احترام و آرامش جواب دهید. این کار شما را به عنوان فردی حرفه‌ای معرفی می‌کند و حتی می‌تواند منتقدان را به دوستداران تبدیل کند. به حقوق دیگران هم احترام بگذارید. از عکس یا محتوای کسی بدون اجازه استفاده نکنید، چون این کار نه تنها پسندیده نیست، بلکه ممکن است مشکل قانونی ایجاد کند.

اگر به این اصول پایبند باشید، نام شما به عنوان فردی صادق و حرفه‌ای مشهور می‌شود.

داستان‌های واقعی هنرجویانی که برای رویداد هنرجوی برتر اثری فرستاده بودند نشان می‌دهد این روش چقدر مؤثر است. نرگس ثابت‌قدم، هنرجوی بجنوردی، که با خمیر عروسک‌سازی می‌کرد، با بازاریابی در شبکه‌های اجتماعی، سفارش‌های زیادی گرفته و بیش از دو سال است که درآمدزایی دارد.

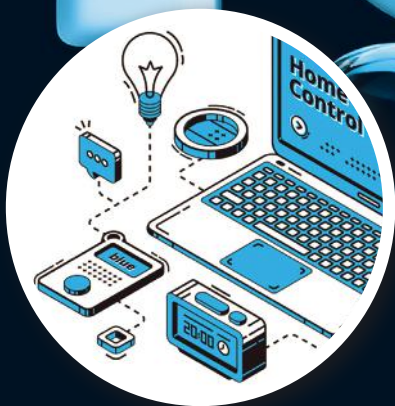
برای کامل کردن این راه، به نکته‌های اضافی توجه کنید. داده‌ها را بررسی کنید و از ابزارهای سکوها برای دیدن اینکه کدام پست بیشتر دیده شده است استفاده کنید تا محتوای بعدی را بهتر بسازید. پست‌ها را در زمان‌هایی بگذارید که مردم

بیشتر برخط هستند، مثل عصرها یا تعطیلات. با هنرجویان دیگری کارهای کوچک محلی همکاری کنید تا مخاطبان بیشتری پیدا کنید و همیشه با چیزهای جدید مثل ویدئوهای کوتاه آموزشی، محتوای خود را تازه نگه دارید.

در آخرین پیشنهاد می‌کنم یک فرسته برای معرفی کار یا مهارتی از رشته‌تان آماده کنید و آن را با معلم یا دوستی در میان بگذارید. این کار اول، صدای شما را به دنیای دیجیتال می‌برد و شروع موفقیت‌های بزرگ‌تر است. با این دانش، نه تنها مهارت‌های هنری خود را نگه می‌دارید، بلکه آن‌ها را به راهی برای پیشرفت تبدیل می‌کنید.

### از راه‌های دروغین مثل خرید دنبال‌کننده یا تأییدهای ساختگی دوری کنید، چون این‌ها اعتماد را خراب می‌کنند و به شهرت شما آسیب می‌زند





محمدرادمنش

# سخن گفتن

در دنیایی که فناوری هر روز مرزهای جدیدی را درمی‌نوردد، اینترنت اشیا به عنوان یکی از تحول‌آفرین‌ترین پدیده‌های عصر حاضر، در حال تغییر شیوه تعامل ما با محیط اطراف است. تصور کنید

**اینترنت اشیا به عنوان یکی از تحول‌آفرین‌ترین پدیده‌های عصر حاضر، در حال تغییر شیوه تعامل ما با محیط اطراف است**

گلدان منزلتان به شما بگوید تشنه است، یا لامپ‌های خانه با یک اشاره روشن شوند. این دیگر رؤیا نیست. واقعیتی است که اینترنت اشیا

آن را ممکن کرده است. برای هنرجویان هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای که به ساخت و خلق محصولات نوین علاقه‌مندند، اینترنت اشیا دنیایی پر از فرصت برای توسعه کسب‌وکارهای هوشمند و نوآورانه فراهم می‌آورد.

اینترنت اشیا به زبان ساده به اتصال اشیا روزمره، از حسگرها و لامپ‌ها تا دستگاه‌های خانگی و حتی پوشیدنی‌ها به اینترنت، اشاره دارد؛ به گونه‌ای که بتوانند داده‌ها را جمع‌آوری، مبادله و پردازش کنند و در نهایت بدون نیاز به دخالت مستقیم انسان عمل کنند. برای مثال، یک حسگر رطوبت می‌تواند میزان آب خاک را اندازه بگیرد و در زمان مناسب پیامی برای آبیاری گیاه بفرستد. این فناوری امروزه

هوشمندی برای کنترل روشنایی، قفل‌ها و پرده‌های منازل طراحی کند.

در این حوزه ایده‌های کاربردی بسیاری وجود دارند: ساخت حسگرهای هوشمند برای مدیریت آبیاری و کوددهی در کشاورزی، طراحی سامانه‌های خودکار برای خانه‌های هوشمند، تولید دستگاه‌های نظارتی برای پایش دمای یخچال‌های فروشگاه‌ها، و حتی ابداع گلدان‌هایی که وضعیت گیاه را به صاحب خود اطلاع می‌دهند. این موارد تنها نمونه‌هایی از انبوه کاربردهای موجود هستند.

در دومین رویداد هنرجوی برتر، چند گروه از هنرجویان، با راهنمایی هنرآموزان خودشان دستگاه‌های خانگی هوشمندی را با استفاده از این فناوری ساخته بودند که پودمانهای متعدد روی آن‌ها پیاده شده بود و مدیریت هوشمند خانه را ممکن می‌کرد.

شروع کار با اینترنت اشیا، مثل هر فناوری یا مهارت جدید، به آموزش نیاز دارد. برای ورود به این عرصه، ابتدا به یک بسته آموزشی مانند آردوینو یا «رزبری پای» نیاز دارید که قیمت مناسبی دارند و امکانات گسترده‌ای را در اختیار شما قرار می‌دهند. سپس باید برنامه‌نویسی را به صورت پایه‌ای بیاموزید. زبان‌هایی مانند پایتون یا حتی محیط‌هایی بصری مانند اسکرچ برای شروع مناسب هستند. پس از آن می‌توانید پروژه‌هایی ساده را اجرا کنید؛ مانند ساخت یک حسگر دمای که چراغ هشدار را فعال می‌کند.

گرم شدن است. این توانایی که اشیا را به سخن وادارید و از طریق آن‌ها زندگی مردم را بهبود بخشید، نه تنها از نظر حرفه‌ای ارزش فراوانی دارد، بلکه می‌تواند منبع درآمد پایدار نیز باشد.

یک نمونه موفق در این زمینه، علی، هنرجویی هنرستانی از مشهد است که با استفاده از «آردوینو» حسگر ساده‌ای برای اندازه‌گیری رطوبت خاک گلدان‌های پدرش ساخت. این ایده آن قدر عملی و کاربردی بود که او اکنون سفارش‌هایی از گلخانه‌های دیگر نیز دریافت می‌کند. این شرایط نشان می‌دهد که با خلاقیت و دانش فنی پایه می‌توانید به سرعت به نتیجه برسید.

آینده اینترنت اشیا در ایران و جهان روشن و پررونق است. این موضوع دست‌یافتنی است که چند سال دیگر، صاحب شرکتی نوآفرین (استارت‌آپ) باشید که برای خانه‌ها و فروشگاه‌ها حسگرهای هوشمند تولید می‌کند، یا محصولات خلاقانه‌ای طراحی می‌کنید که در بازارهای جهانی نیز عرضه می‌شوند. اینترنت اشیا هنوز در ایران در مرحله رشد قرار دارد و هنرجویان هنرستانی با کسب مهارت‌های لازم می‌توانند پیشگامان این عرصه باشند.

**اینترنت اشیا به زبان ساده به اتصال اشیا روزمره، از حسگرها و لامپ‌ها تا دستگاه‌های خانگی و حتی پوشیدنی‌ها به اینترنت، اشاره دارد. به گونه‌ای که بتوانند داده‌ها را جمع‌آوری، مبادله و پردازش کنند و در نهایت بدون نیاز به دخالت مستقیم انسان عمل کنند**

اگر برای ورود به این فناوری حسابی قلقلک شدید، اول به مشکلی در زندگی روزمره فکر کنید و راه‌حلی مبتنی بر اینترنت اشیا برای آن ارائه دهید. شاید دستگاهی که جای کلیدها را به شما یادآوری کند، یا دستگاهی که مصرف انرژی خانه را بهینه می‌کند. ایده خود را با دوستان و مربیان به اشتراک بگذارید و بازخورد بگیرید. شما هم می‌توانید دنیای اینترنت اشیا را تسخیر کنید.

**پی‌نوشت**

**1. Raspberry Pi**

# این اشیا!

در حوزه‌های گوناگون، از کشاورزی و صنعت تا خانه‌های هوشمند و سلامت، کاربردهای گسترده‌ای یافته است.

برای کسب‌وکارهای کوچک و نوپا، اینترنت اشیا همچون ابرقدرتی عمل می‌کند که با کمترین هزینه، امکان خلق محصولات شگفت‌انگیز و کاربردی را فراهم می‌آورد. هنرجویان رشته‌های برق، الکترونیک، رباتیک، کشاورزی و حتی رشته‌های غیرمستقیم‌تر با بهره‌گیری از این فناوری می‌توانند راه‌حل‌های هوشمندی ارائه دهند که زندگی روزمره مردم را ساده‌تر و کارآمدتر کند. به عنوان مثال، یک مغازه کوچک فروش محصولات کشاورزی می‌تواند با نصب حسگرهای دما و رطوبت، تازگی محصولات خود را به مشتریان اثبات کند، یا هنرجوی خلاق می‌تواند دستگاه‌های

یادگیری اینترنت اشیا مسیری پرهیجان و تدریجی است. شما می‌توانید از منابع متعددی استفاده کنید: آموزش‌های ویدئویی در وب، دوره‌های برخط در بسترهای گوناگون آموزشی، کارگاه‌های محلی رباتیک و اینترنت اشیا، و حتی همکاری با هنرآموزان الکترونیک در هنرستان، برای تعریف پروژه‌های کلاسی. همچنین، فروش محصولات ساخته شده از طریق شبکه‌های اجتماعی یا همکاری با مغازه‌های محلی می‌تواند نقطه آغاز مناسبی برای ورود به بازار کار باشد.

جذابیت اینترنت اشیا در آن است که به شما امکان می‌دهد به اشیا بی‌جان جان ببخشید و آن‌ها را به ابزارهایی هوشمند و مفید تبدیل کنید. لذت‌بخش است تصور دستگاهی که به مالک خود هشدار می‌دهد یخچال در حال



فاطمه انصاری

# فنی باش، ولی حرفه‌ای ارتباط بگیر

## آموزی ارتباطی

داشتن دانش فنی و تخصصی، تنها بخشی از مسیر موفقیت است. تصور کنید یک مهندس نرم‌افزار هستید که یک برنامه بی‌نظیر طراحی کرده‌اید، اما نمی‌توانید آن را برای سرمایه‌گذاران یا کاربران به درستی توضیح دهید.

یا یک متخصص هوش مصنوعی هستید که الگوریتم‌های پیچیده‌ای را توسعه داده‌اید، اما در ارائه نتیجه تحقیقات خود به همکارانتان با مشکل مواجه می‌شوید. در هر دو حالت، نبود مهارت‌های ارتباطی، مانع از رسیدن شما به هدف‌هایتان خواهد شد.

این مقاله قرار است به شما نشان دهد با تکیه بر مهارت‌های فنی خود، چگونه به ارتباطی حرفه‌ای تبدیل شوید و در جامعه بدرخشید.

### در محیط کار، ارتباط مؤثر به معنای توانایی انتقال ایده‌ها، دریافت بازخورد، حل مسائل و ایجاد روابط مثبت با همکاران است

ما در این نوشتار اهمیت ارتباط مؤثر در دنیای امروز، نقش کلام در ایجاد ارتباط، تفاوت‌های شخصیتی و نحوه تعامل با آن‌ها، و در نهایت راهکارهای بهبود مهارت‌های ارتباطی را بررسی خواهیم کرد.

اهمیت ارتباط مؤثر در دنیای امروز ارتباط مؤثر مهارتی است که در تمام جنبه‌های زندگی ما نقش اساسی

ایفا می‌کند. از تعامل روزمره با خانواده و دوستان گرفته تا مذاکرات تجاری و ارائه پروژه‌ها، توانایی برقراری ارتباط شفاف، صریح و همدلانه، کلید موفقیت است.

در محیط کار، ارتباط مؤثر به معنای توانایی انتقال ایده‌ها، دریافت بازخورد، حل مسائل و ایجاد روابط مثبت با همکاران است. هر رهبر خوب، نه تنها دانش فنی بالایی دارد، بلکه می‌تواند با اعضای تیم خود به خوبی ارتباط برقرار کند،

آن‌ها را انگیزه دهد و به سوی اهداف مشترک هدایت کند.

در دنیای آموزش، ارتباط مؤثر به معنای توانایی یادگیری فعال، پرسیدن سؤال‌های مناسب، مشارکت در بحث‌ها و ارائه مطالب به شیوه‌ای جذاب و قابل فهم است. دانش‌آموز یا دانشجویی که مهارت‌های ارتباطی قوی دارد، می‌تواند از منابع آموزشی به‌طور مؤثرتری استفاده کند و دانش خود را با دیگران به اشتراک بگذارد.

به‌طور خلاصه، ارتباط مؤثر مهارتی است که به ما کمک می‌کند:

- ایده‌های خود را به وضوح و صراحت بیان کنیم.
- به نظرات دیگران با دقت و احترام گوش دهیم.
- بازخورد سازنده بدهیم و دریافت کنیم.
- مسائل و اختلاف‌ها را به‌طور مؤثر حل کنیم.
- با دیگران روابط مثبت و سازنده ایجاد کنیم.

## در دنیای آموزش، ارتباط مؤثر به معنای توانایی یادگیری فعال، پرسیدن سؤال‌های مناسب، مشارکت در بحث‌ها و ارائه مطالب به شیوه‌ای جذاب و قابل فهم است

در محیط کار و تحصیل موفق تر باشیم. به اهداف شخصی و حرفه‌ای خود دست یابیم. نقش کلام در ایجاد ارتباط مؤثر کلام ابزاری قدرتمند است که می‌تواند پلی بین ذهن‌ها ایجاد کند و احساس و ایده‌ها را منتقل کند. اما استفاده صحیح از کلام نیازمند دقت و توجه است. انتخاب کلمه‌های مناسب، لحن صدا، زبان بدن و حتی سکوت، همگی در کیفیت ارتباط ما تأثیرگذارند.

### هنگام برقراری ارتباط با دیگران، باید به این نکته‌ها توجه کنیم:

مخاطب خود را بشناسیم: قبل از صحبت کردن، باید بدانیم با چه کسی صحبت می‌کنیم. سطح دانش، فرهنگ، علاقه‌ها و انتظارات مخاطب تعیین می‌کند از چه کلمه‌هایی استفاده و چگونه صحبت کنیم.

### هدف خود را مشخص کنیم:

باید بدانیم از برقراری این ارتباط چه می‌خواهیم. آیا می‌خواهیم اطلاعاتی را منتقل کنیم، نظری را تغییر دهیم

یا رابطه‌ای را ایجاد کنیم؟ هدف ما تعیین می‌کند چه پیامی را باید منتقل کنیم و چگونه آن را بیان کنیم.

### پیام خود را به وضوح و صراحت بیان کنیم:

باید از کلمه‌های ساده و قابل فهم استفاده کنیم و از به‌کاربردن اصطلاح‌های تخصصی یا ابهام‌آمیز خودداری کنیم. پیام ما باید به گونه‌ای باشد که مخاطب به راحتی بتواند آن را درک کند.

### به لحن صدای خود توجه کنیم:

لحن صدای ما می‌تواند بر نحوه دریافت پیام ما تأثیر زیادی داشته باشد. باید با لحنی دوستانه، محترمانه و همدلانه صحبت کنیم و از به‌کاربردن لحن تند، تحقیرآمیز یا بی تفاوت خودداری کنیم.

### ارزبان بدن خود به درستی استفاده کنیم:

زبان بدن ما می‌تواند پیام‌های غیرکلامی مهمی را منتقل کند. باید با تماس چشمی، لبخند، حرکت‌های دست و بدن، نشان دهیم که به مخاطب خود توجه داریم و به صحبت‌های او علاقه‌مندیم.

### به بازخورد مخاطب توجه کنیم:

به واکنش‌های مخاطب خود باید به دقت توجه کنیم و در صورت لزوم پیام خود را اصلاح کنیم. اگر مخاطب سؤال دارد، باید به آن پاسخ دهیم و اگر به نظرمی رسد پیام ما را درک نکرده است، باید آن را به شیوه‌ای دیگر توضیح دهیم.

### تفاوت‌های شخصیتی و نحوه تعامل با آن‌ها

همه ما انسان‌ها شخصیت‌های متفاوتی داریم. برخی از ما درون‌گرا هستیم و ترجیح می‌دهیم در تنهایی خود فکر کنیم و انرژی بگیریم، در حالی که برخی دیگر برون‌گرا هستیم و از تعامل با دیگران لذت می‌بریم و انرژی می‌گیریم. برخی از ما منطقی هستیم و بر اساس واقعیت‌ها و شواهد تصمیم می‌گیریم، در حالی که برخی دیگر احساساتی هستیم و بر اساس عاطفه و ارزش‌های خود عمل می‌کنیم.

آگاهی از تفاوت‌های شخصیتی به ما کمک می‌کند بتوانیم با افراد متفاوت به طور مؤثرتری ارتباط برقرار کنیم. برای مثال، هنگام صحبت کردن با فرد درون‌گرا، باید صبور باشیم و به او فرصت دهیم افکار خود را جمع‌بندی و بیان کند. هنگام صحبت کردن با فرد برون‌گرا باید فعال باشیم و در بحث‌ها مشارکت کنیم. هنگام صحبت کردن با فرد منطقی، باید از دادن اطلاعات دقیق و مستند خودداری کنیم و هنگام صحبت کردن با فرد احساساتی باید به احساس و ارزش‌های او احترام بگذاریم.

به طور کلی، برای برقراری ارتباط مؤثر با افراد باید:

به تفاوت‌های شخصیتی آن‌ها احترام بگذاریم.

- سعی کنیم دیدگاه آن‌ها را درک کنیم.
- با لحن مناسب با آن‌ها صحبت کنیم.
- به زبان بدن آن‌ها توجه کنیم.
- بازخورد سازنده ارائه دهیم و دریافت کنیم.

### راهکارهای بهبود مهارت‌های ارتباطی

مهارت‌های ارتباطی قابل یادگیری و بهبود هستند. با تمرین و تلاش می‌توانیم به ارتباط حرفه‌ای تبدیل شویم. در اینجا به چند راهکار برای بهبود مهارت‌های ارتباطی اشاره می‌کنیم:

مطالعه کنیم: در مورد مهارت‌های ارتباطی کتاب‌ها، مقاله‌ها و وب‌نوشت‌های زیادی وجود دارند. با مطالعه این منابع، می‌توانیم دانش خود را در این زمینه افزایش دهیم.

مشاهده کنیم: به نحوه صحبت کردن افراد موفق و تأثیرگذار توجه کنیم. از آن‌ها الگو برداریم و بکشیم مهارت‌های آن‌ها را در خود پرورش دهیم.

تمرین کنیم: در موقعیت‌های متعدد، سعی کنیم مهارت‌های ارتباطی خود را تمرین کنیم. با دوستان، خانواده، همکاران و حتی غریبه‌ها صحبت کنیم و بازخورد بگیریم.

دوره‌های آموزشی شرکت کنیم: در مورد مهارت‌های ارتباطی دوره‌های آموزشی زیادی وجود دارند. با شرکت در این دوره‌ها می‌توانیم به طور سازماندهی و سازمان‌دهی شده مهارت‌های خود را بهبود دهیم.

از بازخورد دیگران استفاده کنیم: از دوستان، خانواده و همکاران خود بخواهیم در مورد نحوه صحبت کردن ما بازخورد دهند. از این بازخوردها برای شناسایی نقاط قوت و ضعف خود استفاده کنیم و بکشیم ضعف‌های خود را برطرف کنیم.

صادق باشیم: سعی کنیم در ارتباط‌های خود صادق باشیم و از تظاهر و ریاکاری خودداری کنیم. صداقت کلید ایجاد روابط مثبت و سازنده با دیگران است.

مهربان باشیم: سعی کنیم با دیگران مهربان باشیم و به احساس آن‌ها احترام بگذاریم. مهربانی باعث می‌شود دیگران به ما اعتماد کنند و با ما راحت‌تر ارتباط برقرار سازند. در پایان به یاد داشته باشیم، ارتباط مؤثر مهارتی است که به ما کمک می‌کند در تمام جنبه‌های زندگی خود موفق تر باشیم. با تمرین و تلاش می‌توانیم به ارتباط حرفه‌ای تبدیل شویم و از مزیت‌های این مهارت ارزشمند بهره‌مند شویم.

# باط



ارشیانامداری

# شفافیت کلید جلب اعتماد مشتریان

دارد، به شما کمک می‌کند با ارائه اطلاعات درست و روشن، اعتماد مشتریان را به دست آورید و نامی ماندگار بسازید. شفافیت در کسب و کار یعنی گفتن واقعیت درباره آنچه عرضه می‌کنید؛ از جزئیات محصول گرفته تا هزینه‌ها و زمان تحویل. این یعنی وقتی مشتری از شما محصولی می‌خواهد، همه چیز را درباره آن، مانند مواد به کاررفته، فرایند ساخت یا حتی محدودیت‌ها، با او در میان بگذارید. برای مثال، اگر در کارگاه تولید ظرف سرمایی یک ظرف می‌سازید، به مشتری بگویید لعاب آن با دست زده شده و ممکن است کمی با نمونه‌های ماشینی متفاوت باشد. این صداقت باعث می‌شود مشتری ارزش کار شما را درک و احساس کند با فردی روراست طرف است. شفافیت به هزینه نیازی ندارد؛ فقط باید بخواهید واقعیت را بگویید و به نیازهای مشتری اهمیت بدهید. این روش برای هنرجویان هنرستانی خیلی مهم است، چون در رشته‌هایی که خلاقیت و مهارت حرف اول را می‌زنند، صداقت می‌تواند شما را از رقیبان جلو بیندازد و به مشتریان نشان دهد کارتان هم باکیفیت است و هم قابل اعتماد.

در جهانی که رقابت در کسب و کار روز به روز بیشتر می‌شود، داشتن رابطه صادقانه با مشتری می‌تواند شما را به عنوان هنرجوی هنرستانی در رشته‌های متعددی که بعداً با آن وارد بازار کار خواهید شد، به یک حرفه‌ای قابل اعتماد تبدیل کند. شفافیت مانند پل محکمی است که مشتریان را به سوی شما می‌آورد و کسب و کارتان را از دیگران متمایز می‌کند. این اصل که در فرهنگ ما ریشه در ارزش‌هایی چون صداقت و امانت‌داری

**شفافیت در کسب و کار یعنی گفتن واقعیت درباره آنچه عرضه می‌کنید؛ از جزئیات محصول گرفته تا هزینه‌ها و زمان تحویل**

# صداقت

## برای شفاف بودن باید مانند راهنمایی باشید که مشتری را با اطمینان همراهی می کند. همیشه درباره محصول اطلاعات کامل بدهید

برای قوی تر شدن در شفافیت، نکته‌های مرتبط را یاد بگیرید. مثلاً تمرین کنید چطور جزئیات فنی کارتان را ساده توضیح دهید؛ مثل اینکه در عکاسی، مراحل ویرایش را چطور برای مشتری بگویید. یا یاد بگیرید چطور محدودیت‌ها را با لحن خوب بگویید تا مشتری نا امید نشود. با دوستان یا هم‌کلاسی‌ها، سؤال‌های فرضی مشتری را تمرین کنید تا آماده تر شوید.

حالا وقتش است دست به کار شوید. فرض کنید مشتری درباره محصولی، مثل یک ظرف سرامیکی، سؤال می پرسد. بنویسید چطور زمان تحویل، هزینه‌ها و مواد آن را توضیح می دهید. این نوشته را با معلم یا دوستی در میان بگذارید و بپرسید آیا به او حس صداقت می دهد؟ این تمرین شما را آماده می کند در دنیای واقعی حرفه‌ای باشید. با شفافیت، نه تنها مشتری را نگر می دارید، بلکه نامی می سازید که همه به آن اعتماد دارند.

از سوء تفاهم، توافق‌ها را بنویسید. مثلاً در پیامی ساده یا قراردادی کوتاه، بگویید قرار است چه چیزی تحویل دهید و چه وقت. این کارها مشتری را مطمئن می کند که شما به فکر او هستید و چیزی را از او مخفی نمی کنید. هیچ وقت درباره کیفیت محصول یا زمان تحویل اغراق نکنید، چون این کار اعتماد را خراب می کند. اگر مشتری نگران چیزی است، مثلاً درباره دوام محصول، با آرامش و احترام توضیح و به او اطمینان دهید. اگر در کارتان خطایی پیش آمد، مثل دیر شدن تحویل یا مشکلی در محصول، زود عذرخواهی کنید و راه حل بدهید؛ مثلاً تخفیف یا جایگزینی محصول. این رفتار نشان می دهد شما حرفه‌ای هستید و برای مشتری ارزش قائل می شوید. این اصول نه تنها رابطه شما با مشتری را محکم می کند، بلکه در بازار کار شما را به عنوان فرد قابل اعتماد معرفی می کند.

البته این کارها گاهی سخت است. مثلاً وقتی باید به مشتری بگویید محصولش دیرتر آماده می شود. در این مواقع، راه حل‌های جایگزین بدهید. مثل استفاده از روش سریع‌تر با هزینه بیشتر یا محصولی که زودتر آماده می شود. اگر مشتری سؤال‌های فنی می پرسد و جوابش را نمی دانید، نگران نشوید. درباره کارتان مطالعه کنید و برای سؤال‌های رایج پاسخ‌های ساده را آماده داشته باشید. این کار باعث می شود با اعتماد به نفس جواب دهید و مشتری راضی بماند.

افراد مورد اعتماد در بازار و کسبه، بعد از مدتی خوش نام می شوند. این اصل کاسبی است و بعد از مدتی، همه به خاطر صداقت شما آن را می شناسند. هر بار که با مشتری صادق هستید، انگار تکه‌ای به اعتماد او اضافه می کنید. این اعتماد باعث می شود مشتریان دوباره سراغ شما بیایند و حتی شما را به دیگران معرفی کنند.

برای فهم بهتر، بیایید چند موقعیت را تصور کنیم که شفافیت چطور کار شما را بهتر می کند. فرض کنید در نجاری، مشتری می خواهد یک میز سفرایشی داشته باشد. به او بگویید چون چوب را باید با دقت آماده کنید، ساخت آن ده روز طول می کشد. این توضیح باعث می شود مشتری برای صبر کردن آماده شود و به شما اعتماد کند. یا اگر عکاس هستید و مشتری برای مراسم عکاسی می خواهد، از همان اول بگویید ویرایش حرفه‌ای عکس‌ها هزینه اضافی دارد، یا چاپ بزرگ تر قیمت متفاوتی خواهد داشت. در گرافیک، وقتی نشان‌واره‌ای (لوگویی) طراحی می کنید، برای مشتری توضیح دهید چطور از

## ت

ایده اولیه به طرح نهایی می رسید تا او در جریان کار باشد. در سرامیک‌سازی هم، اگر کاسه‌ای با خاک محلی ساخته‌اید، داستان آن خاک و روش ساخت را با مشتری در میان بگذارید. این جزئیات نه تنها کار شما را خاص می کنند، بلکه به مشتری حس خوبی می دهند که با کسی کار می کند که چیزی را مخفی نمی کند.

برای شفاف بودن باید مانند راهنمایی باشید که مشتری را با اطمینان همراهی می کند. همیشه درباره محصول اطلاعات کامل بدهید. مثلاً اگر در نجاری از چوب گردو استفاده می کنید، بگویید این چوب چه ویژگی‌هایی دارد و چرا قیمتش بالاتر است. اگر محصولی نمی تواند زود آماده شود، این را از اول بگویید و برایش توضیح دهید چرا. مثلاً به خاطر فرایند خاصی که کیفیت را بالا می برد. هزینه‌ها را هم روشن کنید. اگر چیزی هزینه اضافی دارد، مثل بسته بندی ویژه یا ارسال سریع، آن را پنهان نکنید. وقتی مشتری سؤالی می پرسد، حتی اگر جواب دانش سخت باشد، با دقت و صداقت پاسخ دهید. برای جلوگیری



# جهت‌یابی و بقا در طبیعت



ببیند

حسین نوروزی

و پشت دست‌هایتان در آینده آسیب نبیند! در این شماره نوبت یک مهارت هیجان‌انگیز است که حس و حال یک جهان‌گرد، بیابان‌گرد، اصلاً جنگل‌گرد و درکل هرگرد دیگری به شما می‌دهد! جهت‌یابی و بقا در طبیعت.

کسب مهارت‌هایی مثل جهت‌یابی و بقا در طبیعت نه فقط یک توانایی اضافی، که یک ضرورت زندگی است. این مهارت‌ها به شما کمک می‌کنند در موقعیت‌های غیرمنتظره هوشمندانه و خلاق عمل کنید و با اعتماد به نفس بالا بر مشکلات فائق آیید. فرض کنید به‌عنوان هنرجوی کشاورزی مسیر خود را در میان مزرعه‌های گسترده گم کرده‌اید، یا به‌عنوان یک

حتماً که نباید همیشه قلم‌مو به دست یا آچار به دست باشید تا حس ماهربودن به شما دست دهد. زندگی خودش این قدر بالا و پایین دارد که اگر مهارت برخورد با آن‌ها را نداشته باشید، کلاهان پس معرکه است. آن موقع‌هاست که نه آچار و نه قلم‌مو، هیچ‌کدام به دردتان نمی‌خورد و در حال گزیدن لب‌ها و زدن پشت دست‌ها، آرزو می‌کنید کاش بلد بودید چطور گلیم خودتان را از آب بیرون بکشید. این‌ها مهارت‌های فوری‌فوتی زندگی‌اند که برای داشتن زندگی خوب باید آن‌ها را یاد بگیرید. اینجا اورژانس مهارت است برای چنین وقت‌هایی تا لب‌ها

صنعتگر در حال جمع‌آوری مواد اولیه از دل طبیعت هستید. در چنین لحظه‌هایی، توانایی جهت‌یابی و بقا می‌توانند راهگشا باشند.

### جهت‌یابی

ابتدایی‌ترین و مطمئن‌ترین وسیله برای جهت‌یابی، قطب‌نماست. این ابزار کوچک و کارآمد، با تکیه بر میدان مغناطیسی زمین، همیشه جهت شمال را به شما نشان می‌دهد. کافی است آن را کف دستتان روی سطحی صاف قرار دهید و آرام بچرخید تا عقربه قرمز روی علامت N ثابت بماند. حالا جهت‌های

اصلی مقابل چشمانتان است: جنوب در پشت شما، شرق در سمت راست و غرب در سمت چپ. اگر قطب‌نما در دسترس ندارید، نرم‌افزارهای جهت‌یابی روی تلفن همراه هم می‌توانند کمک‌کننده باشند، به شرطی که از نوفنهای دستگاه‌های الکترونیکی دیگر در امان باشند. یادتان باشد، این مهارت نه تنها در طبیعت‌گردی، که در بسیاری از فعالیت‌های میدانی رشته‌های فنی و حرفه‌ای نیز کاربرد دارد. اما طبیعت همیشه قابل پیش‌بینی نیست و ممکن است روزی بدون ابزار، در دل شب یا منطقه‌ای ناشناس، تنها بمانید. در چنین شرایطی، آسمان بالای سرتان به نقشه‌ای طبیعی تبدیل می‌شود. در آسمان نیمکره شمالی، ستاره قطبی همچون چراغی همیشه ثابت، جهت شمال را نشان می‌دهد. برای پیدا کردن آن، صورت فلکی دب اکبر را پیدا کنید که به شکل یک ملاقه بزرگ است. دو

ستاره انتهایی آن، مسیری مستقیم به سوی ستاره قطبی ترسیم می‌کنند. اگر هوا ابری بود، نشانه‌های زمینی به کمک شما می‌آیند؛ مثلاً در مناطق معتدل، خزه‌ها معمولاً روی سمت شمالی تنه درختان رشد می‌کنند، چون آن سمت کمتر آفتاب می‌خورد و مرطوب‌تر است.

### امنیت و پناهگاه

فکر کنید به مسیر درست رسیدید و حالا باید برای تأمین امنیت و آسایش فکری کنید. روشن کردن آتش یکی از نخستین قدم‌هاست. آتش نه تنها گرما و نور فراهم می‌کند، بلکه برای پخت و پز و حتی دور کردن حیوانات نیز مفید است. برای این کار، در یک گودال کم‌عمق و محصور با سنگ، مواد سوختی را از کوچک به بزرگ بچینید: ابتدا برگ خشک یا کاغذ، بعد ترکه‌های نازک و در پایان چوب‌های کلفت‌تر. با

**کسب مهارت‌هایی مثل جهت‌یابی و بقا در طبیعت نه فقط یک توانایی اضافی، که یک ضرورت زندگی است. این مهارت‌ها به شما کمک می‌کنند در موقعیت‌های غیرمنتظره هوشمندانه و خلاق عمل کنید و با اعتماد به نفس بالا بر مشکلات فائق آیید**

کبریت یا سنگ چخماق جرقه ایجاد کنید. همیشه یک ظرف آب یا خاک برای خاموش کردن سریع آتش در دسترس داشته باشید. این مهارت به خصوص برای هنرجویان رشته‌های خدمات و کشاورزی بسیار کاربردی است.

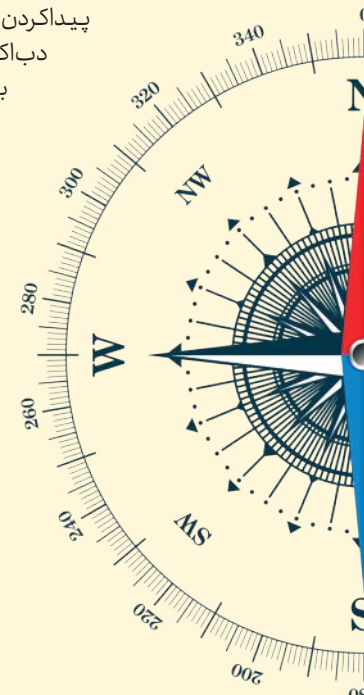
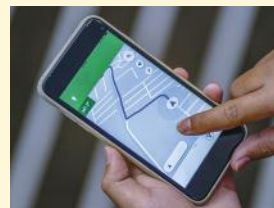
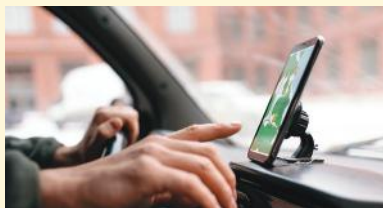
ساخت پناهگاه موقت هم گام بعدی برای در امان ماندن از باد، باران و سرماست. با استفاده از یک شاخه بلند به عنوان تیرک اصلی و تکیه دادن آن به دو درخت، می‌توانید استخوان‌بندی اولیه را بسازید. سپس با شاخه‌های کوچک‌تر و برگ‌های

خشک، سقف و دیوارهایی ایجاد کنید که هم عایق باشند و هم ایمن. داخل پناهگاه را با لایه‌ای از برگ خشک بپوشانید تا از سرمای زمین در امان بمانید. این کار نه تنها تمرینی عملی برای بقاست، بلکه می‌تواند برای هنرجویان هنر و معماری تجربه‌ای خلاق باشد.

### آب خوردن

آب خوردن نه‌ها! آب خوردن! دوباره بخوان تا فرقی را متوجه شوی! تأمین آب آشامیدنی سالم مهم‌ترین بخش بقا در طبیعت است. اگر به چشمه یا رودخانه دسترسی دارید، آب را پیش از نوشیدن حتماً بجوشانید یا با قرص‌های تصفیه، ضدعفونی کنید. حتی اگر امکانات ندارید، با یک پارچه تمیز می‌توانید ذرات درشت آن را پالایش کنید. این دانش برای همه رشته‌ها، به ویژه کشاورزی و خدمات، ضروری است.

این مهارت‌ها فقط برای موقعیت‌های بحرانی نیستند، در زندگی روزمره هم به کار می‌آیند. در اردوهای مدرسه، سفرهای خانوادگی یا حتی گردش در پارک محلی، می‌توانید از آن‌ها استفاده کنید و با نشان دادن توانایی‌هایتان، همیشه یک قدم جلوتر باشید.





دوی ثابت (تردمیل) جایی نمی رود  
اما سلامتی را به مقصد می رساند



می رود  
نگاه می کند  
و به چیزی دست نمی زند  
باشگاه ورزشی برای بعضی ها شبیه  
موزه است



پیاده روی می کرد  
اما نه برای سلامتی  
دنبال غذای فوری (فست فود)  
بهتری می گشت



# سلامتی

مهدی فرج‌اللهی



به تن تنبلی  
لباس عافیت گریه می کند



از هول هله هول  
دردیگِ دل درد افتاد



فاصله ایمنی طولانی باشد  
دست سرما خوردگی کوتاه می شود



با پیاده روی  
سلامتی را به گردش می بریم





# آوردن دلیل منطقی

## اسب

مهدی فرج‌اللهی

- ❖ امان خواه از گزند خلق در گرم اختلاطی‌ها که عقرب بیشتر در فصل تابستان شود پیدا (بیدل دهلوی)
- ❖ نیست از سوز درون با ما صفای باطنی دل سیه شد بس که آتش اندر این ویرانه سوخت (کلیم کاشانی)
- ❖ هیچ دانی که آب دیده پیر از دو چشم جوان چرا نچکد برف بر بام سال خورده ماست آب در خانه شما نچکد (سعدی)
- ❖ ظالم به ظلم خویش گرفتار می‌شود از پیچ و تاب نیست رهایی کمند را (صائب تبریزی)
- ❖ مردا بدون میز هم عزیزن، رفوزه‌ها همیشه پشت میزن (ابوالفضل زرویی نصرآباد)
- ❖ پای تیر برق، گربه‌ها جوک می‌گویند و کیسه‌های زباله از خنده می‌ترکند (اکبر اکسیر)
- ❖ گلی که بر قلعه کوه می‌روید، حکایت از کوهنوردی بهار می‌کند (پرویز شاپور)

لطافت صورت گیرد، یا اینکه علتی که برای معلول ذکر شده حقیقت ندارد، بلکه علتی ادعایی است. دلیل آوردن، توجیه کردن و توضیح دادن به شکل‌های متفاوتی می‌تواند اتفاق بیفتد. مثلاً دلیل عکس یا عذر بدتر از گناه، حتی گاهی در اسلوب معادله هم داریم که برای موضوعی، مشابهی یا توضیحی ارائه می‌دهیم که بعداً به آن خواهیم پرداخت.

در استفاده از دلیل عکس، برای مطلبی دلیل و توجیهی آورده می‌شود که کاملاً خلاف انتظار و مخالف عرف و عادت است.

مثلاً در اداره‌ای دو مراجع با صدای بلند صحبت می‌کردند. کارمند به آن‌ها گفت: «چه خبره اداره رو گذاشتید روی سرتون؟ مگه نمی‌بینید من خوابیده‌م؟»

در این لطیفه، کارمند به ارباب رجوع اعتراض می‌کند که اینجا نباید با صدای بلند صحبت کنید، اما دلیلی که می‌آورد برعکس چیزی است که توقع داریم.

در ادامه، بیت‌ها و جمله‌های زیبایی را می‌خوانیم که در هر کدام شرح، توجیه یا توضیح زیبایی وجود دارد:

- ❖ تاروپود عالم امکان به هم پیوسته است عالمی را شاد کرد آن کس که یک دل شاد کرد (صائب تبریزی)

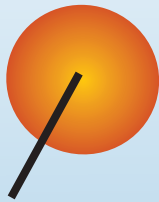
در کلاس، حرف از درس خواندن به میان آمد. قرار شد هر کدام از بچه‌ها بگویند چرا درس می‌خوانیم؟ یکی از بچه‌ها درباره اهمیت کسب علم و دانش نوشته بود. یکی دیگر گفته بود چقدر می‌تواند روی آینده شغلی تأثیرگذار باشد. یکی هم به این بیت فردوسی اشاره کرده بود که: «توانا بود هر که دانا بود، ز دانش دل پیر برنا بود.»

در این میان، دانش‌آموز عزیزم آرتین مسافر پاسخ متفاوتی داده و نوشته بود: «من همیشه درس می‌خوانم، چون که دمپایی درد دارد.»

یعنی به شوخی گفته بود که دلیل درس خواندن من نه دانش‌اندوزی و آینده شغلی و این حرف‌هاست، بلکه ترس از دمپایی مادر است.

از شنیدن این شوخی و دلیل بامزه، من و شما غافلگیر می‌شویم و می‌خندیم. وقتی برای کاری یا موضوعی دلیلی متفاوت می‌آوریم که ظرافت، لطف و حسن داشته باشد، به آن حسن تعلیل می‌گوییم.

در این روش می‌تواند علتی که ذکر می‌شود واقعی و حقیقی باشد، اما ربط آن به معلول با ظرافت و



# همگی با سلامتی

علی اکبر مهر سزاده

تغذیه

ای جوان غیور اهل هنر  
ای هنرجوی ماهر برتر  
این همه در پی هنر هستی  
در مهارت بسی قدر هستی  
گر نباشد سلامتی به برت  
هان! به دردی نمی خورد هنرت  
نیست گری با سلامتی دمخور  
در کوزه گذارو آبش خور  
چه کند جوشکار اگر کور است؟  
دست و پایش اگر که رنجور است؟  
یا مکانیک چاق دیده کسی؟  
آرشیستکت چلاق دیده کسی؟  
برق کش بود اگر بسی پرخور  
نان او می شود به کل آجر  
خارج از کله فکر خام بکن  
برو ورزش و ثبت نام بکن  
یوگا و تی آرایکس را که برو  
دو سه تا بارفیکس را که برو  
تا که ویران نگشتی از پیا بست  
سعی کن جمله در دراز نشست  
از غذایت نشو سپس غافل  
قطع کن فست فود ناقابل  
قند و اوره، تری گلیسیرید  
از سرت ریخت آن چهار شوید  
خواب ناکافیست به نیمه شبی  
می شود تیک و مشکل عصبی  
الغرض ای جوان پاینده  
ای به قربان شکل تو بنده  
در پی خواب راحت خود باش  
هان! به فکر سلامت خود باش





# نامه‌های به نوجوانی

علیرضا خرمی زاده

افکار ت اجازه می‌دهند، به جای اینکه چشمانت را به سان وزغ از حدقه در بیابوری و تا ورود نور خورشید به آسمان، اجازه خروج نور از صفحه گوشی ات راندهی، راحت و آسوده و کافی بخواب که همین توانایی آرزویت خواهد شد.

به عنوان نکته آخر باید بدانی که با رعایت تمام نکات سلامتی، باز هم ممکن است کسالتی پیش بیاید و کسالت هم آدابی دارد. مثلاً می‌شود از روبوسی‌های دو و سه بوسه‌ای از افراد بیمار صرف نظر کرد، یا حتی می‌توانیم در هنگام کسالت کمی دورتر از دوستانمان بایستیم، چون هیچ‌کس وظیفه انتقال ویروس‌ها را ندارد. در هنگام عیادت از بیماران کمپوت نخرد، ما خریدیم و پدرمان بعد از دیدن برگ خرید آن قدر تحت فشار قرار گرفت که فشارش افتاد و برای سرپا نگه داشتنش مجبور شدیم تمام کمپوت‌ها را به خودش بدهیم. در آخر هم یادت نرود که عقل سالم در بدن سالم است.

کمک کنی، چند صباحی دیگر، با دیدن قیمت اجناس و صفوف افراد، به سادگی سلامت روانت می‌رود بر باد. فن سه ثانیه مکث در زمان عصبانیت را باید از همین سنین پایین شروع کنی، چون با افزایش سن کارایی‌اش را از دست می‌دهد. مثلاً تنها فایده‌اش برای من این است که تمام دعوایم با سه ثانیه تأخیر آغاز می‌شوند و تمام کتک‌ها را در همان سه ثانیه می‌خورم.

جوان کوچولو، تا وقتی در خانه پدرت تحت دست‌پخت مادر لم داده‌ای و دو قورت و نیمت باقی است، قدر عافیت بدان و جای آخ و پیف بی‌جا نسبت به غذای سالم و آخ و جون بی‌جا نسبت به غذاهای ناسالم، از غذای خانگی لذت ببر. بزرگ‌تر که شدی، متوجه خواهی شد همیشه وقت برای این به اصطلاح فست‌فودها هست و حتی هرگز نخوردنش بهتر از دیر خوردنش است.

آهای نوجوان، آیا می‌دانستی در جوانی دلایل متعددی، کافی و وافی برای گرفتن خواب از چشمانت وجود دارد؟ پس حالا که می‌توانی

این نامه رو خودم فقط بخونم می‌خوام که حال خودمو بدونم کسالت اطراف منو گرفته از توی این بدن هنوز نرفته

## جوانک سلام

امیدوارم حالا که در نوجوانی به سر می‌بری و سر حالی، الکی جو نگیردت و غرور برت ندارد. سعی کن جای روی آوردن به یک‌جا نشینی و حرکت مستمر در مسیر زخم بستر تکانی به جسم مبارک بدهی تا در عنفوان جوانی شکل ما نشوی و زهوارت در نرود! اگر از همین سن و سال ورزش کنی، در آینده‌ای نه‌چندان دور می‌توانی از ساک باشگاهت عکس بگذاری و بگویی پز نیست، سبک زندگی ام است. جوانک، بدان و آگاه باش که در جوانی، با فشار زندگانی، سلامت روانی هست گوهرمیاب و گرانی. اگر حالا یاد نگیری چطور به سلامت روان و حفظ آرامشت

# من و مسیر عکاسی

فاطمه رضوان خواه

ایام

خیلی از ما ذاتاً عکس را دوست داریم. مثل همان موقعی که جلوی دوربین خود انداز (سلفی) گوشی مان لب هایمان را داخل می کشیم تا بهتر ببینیم یا نفس را حبس می کنیم تا چاق به نظر نیاییم. یا آنجا که از هر جنبه و هر پدیده فیزیکی و شیمیایی و طبیعی و غیرمترقبه و بلاای طبیعی و مرده و زنده آدم ها و ... عکس می اندازیم. اما عکس گرفتن زمین تا آسمان با عکاس بودن فرق دارد. فوت و فن دارد. همین نقطه است که تفاوت عکس ها را رقم می زند. یک عکس خیره کننده و جذاب است؛ حتی بدون ادا و اطوارهایی که چند خط بالاتر گفتیم و آن یکی شبیه سمندون می شود. گاهی یک عکس می تواند به اندازه یک کتاب قصه و مفهوم داشته باشد؛ اگر با فوت و فنش گرفته شود. خانم **فاطمه رضوان خواه**، هنرجوی رشته فتوگرافیک هنرستان **فرزانگان ۳ کرج** است که آرام آرام یک عکاس درجه ۱ شده است. در اولین دوره رویداد هنرجوی برتر هم شرکت کرده بود و عکس های زیبایش جزو ۱۰ اثر برتر آن دوره شده بود و حالا یک سال است که در کانال رشد هنرجو مشغول آموزش عکاسی است. از او خواستیم داستانش را برای ما تعریف کند و از عکس دوربینش دنیایی را که سپری کرده است به ما نشان دهد. برای هنرستانی ها و عکاس باشی های آینده حرف های شنیدنی دارد. پس با او همراه می شویم.

## من و مسیر عکاسی ام

از همان کودکی همیشه به تصویر کشیدن دنیا برایم جذاب بود. اولش با طراحی شروع شد؛ دفتر مشقم پر بود از خط خطی ها و چهره هایی که می کشیدم. اما یک روز وقتی دوربین کوچک پدرم را دست گرفتم، انگار دنیای تازه ای برایم باز شد. دیدن اینکه می توانم لحظه ای را ثبت کنم و آن لحظه برای همیشه بماند، تجربه ای بود که مسیرم را عوض کرد. همان موقع بود که فهمیدم فقط نمی خواهم «بکشم»، بلکه می خواهم «ثبت کنم». همین علاقه کم کم باعث شد انتخابم برای ادامه مسیر، هنرستان باشد.

خیلی ها می گفتند «عکاسی آینده ندارد» یا اینکه «برو دنبال رشته ای مطمئن تر».

اما من نمی‌توانستم خودم را در هیچ کاری جز هنر تصور کنم. برای همین، با وجود همه مخالفت‌ها، تصمیم گرفتم هنرستانی شوم و به‌طور جدی عکاسی را دنبال کنم.

مثل هر راه دیگری، مسیر عکاسی هم پراز سختی بود. یادم هست، اولین بار که در یک جشنواره دانش‌آموزی شرکت کردم، با کلی ذوق عکس فرستادم، اما هیچ جایزه‌ای نگرفتم. آن روزها خیلی دلسرد شدم. حتی چند روزی اصلاً به دوربین نگاه نکردم. اما بعد که عکس‌های برنده را دیدم، فهمیدم مسئله فقط گرفتن یک تصویر زیبا نیست، باید مفهوم و نگاه خاص خودت را داشته باشی. آن شکست باعث



شد برگردم، بیشتر بخوانم، بیشتر تمرین کنم و به چشمم آموزش بدهم که عمیق‌تر ببیند. یکی از عادت‌های مهمی که پیدا کردم، مدیریت زمان و تمرین منظم بود. برای خودم برنامه گذاشتم که هر روز حتی اگر فقط نیم‌ساعت وقت داشته باشم، یک عکس بگیرم. شاید کیفیت همه آن‌ها خوب نبود، اما همین استمرار باعث شد نگاه و مهارتم به‌تدریج قوی‌تر شود.

از طرف دیگر، خیلی از پروژه‌هایم گروهی بودند. مثلاً در یکی از کارهای مدرسه من مسئول عکاسی بودم و بقیه طراحی پوستر یا نوشتن متن را انجام می‌دادند. همین همکاری‌ها به من یاد داد که عکس من فقط بخشی از یک اثر بزرگ‌تر است و باید بلد باشم با تیم هماهنگ شوم. ارتباط گرفتن با آدم‌های گوناگون، شنیدن ایده‌هایشان و تغییر کارم بر اساس نیاز گروه، یکی از چیزهایی بود که خیلی به دردم خورد.

وقتی شروع کردم به گرفتن سفارش‌های کوچک عکاسی، مثل عکاسی از مراسم دوستانه یا ثبت

کارهای هنری دیگران، فهمیدم مدیریت مالی بخش مهمی از کار است. اولش وسوسه شدم دوربین و عدسی‌های خیلی گران بخرم، اما به‌تدریج فهمیدم همیشه ابزار حرفه‌ای شرط اول نیست. گاهی با یک دوربین ساده و نور طبیعی می‌شود عکسی گرفت که هزار برابر تأثیرگذارتر از عکس‌های پرزرق‌وبرق است. این تجربه هم جیبم را نجات داد و هم نگاهم را خلاق‌تر کرد.

### از فوت‌وفن‌های کارت بگو؟

اگر بخواهم بخشی از فوت‌وفن‌هایم را با هم‌رشته‌ای‌هایم در میان بگذارم، اول از همه روی نور تأکید می‌کنم. نور همه چیز است. یاد گرفتم که بهترین عکس‌ها لزوماً در استودیو گرفته نمی‌شوند. خیلی وقت‌ها نور غروب، یک پنجره ساده یا حتی سایه دیوار می‌تواند معجزه کند. همیشه توصیه می‌کنم قبل از فشار دادن دکمه شاتر، چند دقیقه فقط نور را ببینید.

فوت‌وفن دیگر، زاویه دید است. خیلی‌ها مستقیم و از روبه‌رو عکس می‌گیرند. اما کافی است کمی خم شوی، از بالا یا پایین نگاه کنی، یا حتی بخشی از سوژه را حذف کنی تا عکس جان بگیرد.

و در نهایت ویرایش: ویرایش قرار نیست همه چیز را تغییر دهد، بلکه باید کمک کند حال و هوای عکس بهتر منتقل شود. من همیشه سعی می‌کنم در ویرایش زیاده‌روی نکنم، چون باور دارم قدرت اصلی عکس در «واقعی بودن» آن است.

به‌مرور بعضی از عکس‌هایم را وارد بازار کردم. مثلاً چند کار از من به‌عنوان پوستر برای نمایشگاه‌های دانش‌آموزی استفاده شد. حتی یک باریکی از عکس‌هایم روی جلد یک مجله دانشگاهی چاپ شد. شاید کارهای کوچکی باشند، اما برای من تجربه‌ای بزرگ بود اینکه ببینم اثرم از قاب شخصی بیرون آمده و در دست آدم‌های دیگر قرار گرفته است. همین چیزها انگیزه‌ام را برای ادامه بیشتر کرد.

برای من عکاسی فقط ثبت تصویر نیست، نوعی بیان است. همیشه سعی کرده‌ام در عکس‌هایم مفهومی پنهان باشد. خیلی از کارهایم حول محور «انسان و تنهایی» یا «رابطه انسان با طبیعت» می‌گردند. دوست دارم وقتی کسی به عکس من نگاه می‌کند، فقط زیبایی ظاهری را نبیند، بلکه لحظه‌ای در خودش فرو برود و فکر کند.

هدف بزرگ‌ترم این است که با عکاسی بتوانم روایتگر باشم؛ روایتگر لحظه‌ها و احساس‌هایی که شاید به چشم نیایند. باور دارم عکاسی می‌تواند پل ارتباطی میان آدم‌ها باشد و کمک کند جهان را با نگاه تازه

ببینند.

### اگر جمع‌بندی پایانی‌ای داری بگو؟

وقتی به این مسیر نگاه

می‌کنم، می‌بینم پراز بالا و

پایین بوده است؛ از انتخاب

هنرستان با وجود مخالفت‌ها،

تا شکست‌های اولیه، تمرین‌های

بی‌پایان، مدیریت زمان و پول، همکاری

در پروژه‌های گروهی و برداشتن قدم‌های

کوچک در بازار کار. اما همه این‌ها کنار هم من

را به کسی تبدیل کرده‌اند که امروز هستم؛ یک

هنرجوی عکاسی که عاشق ثبت لحظه‌هاست و

می‌خواهد با دوربینش چیزی بیشتر از یک تصویر

ساده به دنیا بدهد.

هنوز اول راه هستم، اما ایمان دارم با عشق، استمرار

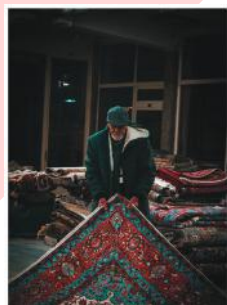
و یادگیری مداوم می‌توانم روزی نه فقط برای خودم،

بلکه برای جامعه‌ام ارزش خلق کنم. عکاسی برای

من فقط هنر نیست، راهی است برای زندگی، برای

گفت‌وگو با جهان و برای خدمت به آدم‌هایی که

شاید نگاهشان تشنه دیدن زیبایی و حقیقت است!



الهام اخلاقی

# فکرش دایکون



فکرش را بکن، ۳۷ سال از پایان  
یک عمری است ادراک مدت شاید چند اقدام وحشت افکنانه  
«تروستی» محدود دیده بودیم! شاید کمی فشار روانی مردم منطقه  
را از جریانات تکفیری درک و با چند خانواده شهید مدافع حرم همدردی  
هم نتوانست ما را به حال و هوای داعش در ساختمان مجلس (۱۳۹۶)  
حالا اضافه کن این را که در تدارک جشن بزرگ غدیر بودیم و از سوی دیگر هم  
خوش باورانه داشتیم با دشمنان مذاکره می‌کردیم. دیگر به ذهن بدبین‌ترین  
فردمان هم احتمال حمله مستقیم نظامی به کشور خطور نمی‌کرد. در علوم نظامی  
به این می‌گویند «اصل غافلگیری»!  
سال‌ها انتظار چنین جنگی را داشتیم. برخلاف همه دنیا صف‌های خرید  
فروشگاهی تغییری نکردند، به جایش صف‌های انتقال خون شلوغ  
شد. انگار صدای دل‌نشین پدربزرگی فرهیخته، تجربه‌های  
دهه شصت را بر ایمان می‌خواند تا اجرا کنیم. در  
رأسشان هم حمایت و همکاری





با نیروهای مسلح بود. این شد که هر کس خود را سود می فروخت، چه آن کاسب که بدون هم وطنانش آب تعارف می کرد و چه درگرمای به جاسوسی گذاشتند در پوست گردو! دشمن در ساعت های ابتدایی گفت که با بازگشت با ایران رسیده است. برداشتش این بود که جنگ با نابودی یکی از طرفین پایان می یابد. پشتش به حمایت کد خدا (آمریکا) گرم بود و خدايي که قلب ها را به هم نزدیک کرد تا دوشادوش ایستاده بودند؛ همان هر رینگی، قوی ترین ضربه دفاع شکن (آپرکات) را به صورت دشمن زدیم. حالا هم خاطرات دهه ضربه دفاع شکن (آپرکات) را به صورت دشمن زدیم. دشمنی که بهانه اش برای حمله، نابودی تأسیسات صلح آمیز اتمی ایران بود، ناخواسته کاری کرد که همه با هر سلیقه و نظری، بازگوییم: «انرژی هسته ای حق مسلم ماست»

همین همدلی ورق را به نفع ما برگرداند؛ آن هم در روزهای ابتدایی. علاوه بر پایگاه های نیروی هوایی و زمینی ارتش صهیونی، مراکز جنگ الکترونیک، مقر موساد و وزارت جنگ رژیم، مکان های حساسی چون پلایشگاه بازان، نیروگاه برق حیفا و تل آویو، مراکز صنعتی و پارک های علم و فناوری همچون وایزمن که در راستای اهداف رژیم فعالیت می کردند، با موشک ها و پهپاد های ایرانی، امنیت شان پیچیده شد. وقتی رژیم صهیونیستی از شکست ایران و تأمین با حمله خودش عاجز ماند، آمریکا مستقیم وارد معرکه شد و آمریکا در قطر را زدیم. بد هم زدیم. او این شروعی بود بر پایان افسانه امنیت خودش حاشیه خلیج فارس دیدند که ایران در ۲۴ ساعت، هم شکست ناپذیری ایالات متحده آمریکا. همه جهان به خصوص به اسرائیل دارای کلاهک اتمی سیلی می زند و هم به آمریکا؛ تنها کشوری که از ریخته شدن هیمنه چند قرنات، بیسترنمی ترسی؟! طبیعی است هیمنه ای که اولاً با خرج های نجومی در رسانه و ثانیاً با خون ریزی و مظلوم کشی در سراسر دنیا

به دست آمده، برای دشمن حکم ناموس را دارد و بیشتر از قوای نظامی به کارش می آید. به همین خاطر، دشمن واحد ما که با دو نقاب رژیم صهیونیستی و وحشی دیوانه و آمریکای باهوش طالب صلح به میدان آمده بود، خودش دست به کار شد برای پایان جنگ و حدود ۱۲ ساعت بعد از حمله موشکی ایران به پایگاه آمریکایی العدید در قطر، اینک می گویم موقت خاتمه یافت.

است. لذا همگی وظیفه داریم اولاً سطح آمادگی خود را بالا ببریم و ثانیاً با حفظ این اتحاد مقدس بین مردم، مسئولان و نیروهای مسلح، چشم رفت دشمن را برای ایجاد دودستگی و حمله مجدد کور کنیم. راستی، یادم وطن دوستی رفوزه شدند تحریم کنیم. چرا که دشمن قصد دارد از طریق رسانه هایش، فکر کردن را از من و توی ایرانی بگیرد، تا بعد از ۴۷ سال، دوباره سوارمان شود. پس به هوش باش و از همین حالا فکرش را بکن!



# معمای بازار کار را بشکنید

احسان بیات



در دنیای کار امروزه، که پر از چالش‌های گوناگون است، حل مسئله به عنوان مهارتی کلیدی به افراد کمک می‌کند مانند یک کاوشگر ماهر، مشکلات را یکی یکی پشت سر بگذارند. این مهارت نه تنها تحلیل دقیق و خلاقیت را تقویت می‌کند، بلکه تصمیم‌گیری سریع را هم آسان‌تر می‌سازد. در فرهنگ ما، که بر صبر و فکر عمیق برای یافتن راه‌های درست تأکید دارد، حل مسئله مانند نوری است که راه موفقیت را روشن می‌کند. این مهارت در کسب‌های کوچک مانند تعمیرگاه‌های خودرو، استودیوهای طراحی یا کارگاه‌های صنایع دستی، تفاوت میان شکست و برد را رقم می‌زند. چه در حال درست کردن یک مدار باشید و چه در حال بهتر کردن یک طرح، حل مسئله شما را از دیگران جدا می‌کند. اگر شرایط جذب و استخدام در آگهی‌ها را دیده باشید، این مهارت پای ثابت شرایط استخدام بسیاری از آن‌هاست. پس با موضوع مهمی طرف هستیم. این اطلاع‌نگاشت (اینفوگرافی) را بخوان تا

قدم به قدم پیش برویم. برای حل کردن هر مسئله ابتدا مشکل را به طور دقیق مشخص کنید. این گام پایه همه چیز است، چون اگر ندانید مشکل چیست، نمی‌توانید آن را حل کنید. جزئیات را با دقت بنویسید و از سؤال‌هایی مانند چه، کجا، چه وقت و چرا استفاده کنید تا همه چیز روشن شود. مثلاً اگر در کارگاه دستگاهی کار نمی‌کند، یادداشت کنید که روشن نمی‌شود، چراغ قرمز چشمک می‌زند و از دیروز این‌طور شده است. با دوستان یا معلم حرف بزنید تا مطمئن شوید چیزی را جا نینداخته‌اید. نکته مهم این است که زود قضاوت نکنید؛ مثلاً نگوئید حتماً سوخته، بلکه صبر کنید تا اطلاعات کامل شوند. این کار کمک می‌کند ذهن‌تان منظم بماند و از اشتباه‌های بی‌جا جلوگیری شود. با ابزار ساده‌ای مانند کاغذ و قلم، می‌توانید همه چیز را بنویسید و تصویر روشنی از مسئله بسازید. این روش نه تنها در کارگاه مفید است، بلکه در زندگی روزمره هم به کار می‌آید؛ مثل وقتی

مشکل را به طور دقیق مشخص کنید.

اطلاعات مرتبط را جمع کنید

که پروژه‌های در مدرسه به مشکل می‌خورد و نیاز دارید اول بفهمید کجا گیر کرده‌اید.

پس از مشخص کردن مشکل، اطلاعات مرتبط را جمع کنید. این مرحله مانند جمع کردن سرنخ‌هاست تا ریشه مسئله را پیدا کنید. همه داده‌ها را بررسی کنید، از علت‌های ممکن گرفته تا نشانه‌ها و شرایط اطراف. از کتاب‌های درسی، جست‌وجوی اینترنتی یا تجربه دیگران کمک بگیرید. برای آن دستگاه خراب، دفترچه راهنما را بخوانید، نشانه‌ها را جست‌وجو کنید یا از همکار بپرسید که آخرین بار چه شرایطی داشته است. اطلاعات را در گروه‌هایی مانند علت، نشانه‌ها و راه‌حل‌های گذشته مرتب کنید تا فکر کردن آسان‌تر شود. این سازمان‌دهی ذهن را آرام می‌کند و کمک می‌کند بهتر ببینید. اگر اطلاعات کم بود، از منابع مطمئن بیشتری استفاده کنید، اما همیشه به یاد داشته باشید که داده‌های درست کلید موفقیت هستند. با ابزارهایی مانند اینترنت یا دفترچه، می‌توانید همه چیز را ثبت کنید و جلو بروید. این گام برای هنرجویان رشته‌های فنی مانند برق یا مکانیک خیلی مهم است، چون اغلب مشکلات از جزئیات کوچک می‌آیند که اگر نادیده‌شان بگیرید، کار سخت‌تر می‌شود.

حالا نوبت به فهرست کردن راه‌حل‌های ممکن است. حداقل سه راه بنویسید؛ حتی اگر برخی از آن‌ها کمی متفاوت به نظر برسند. برای هر کدام، خوبی‌ها، مانند سرعت یا هزینه کم و بدی‌ها مانند سختی را یادداشت کنید. در مورد دستگاه، می‌توانید بگویید: اول فیوز را عوض کنیم که ارزان و سریع است. دوم کابل برق را بررسی کنیم که رایگان و آسان است. سوم صفحه (برد) اصلی را تعمیر کنیم که گران و زمان‌بر است. این فهرست کمک می‌کند گزینه‌ها را ببینید و بهترین را انتخاب کنید.

ایده‌های تازه را دور نیندازید، چون گاهی راه‌حل‌های خوب از فکرهای غیرعادی می‌آیند. با کاغذ و قلمی برای رفتن به دل طوفان فکری، می‌توانید خلاقیت خود را آزاد کنید. این روش در رشته‌هایی مانند طراحی یا صنایع دستی عالی کار می‌کند؛ جایی که خلاقیت بخشی از کار است و می‌تواند مشکلات را

با راه‌های نو حل کند. با تمرین این گام، ذهنتان بازمی‌شود و می‌توانید در موقعیت‌های واقعی سریع‌تر فکر کنید.

پس از فهرست، بهترین راه‌حل را انتخاب کنید. به دنبال گزینه‌ای باشید که سریع، ارزان و کارآمد باشد. با تیم، معلم یا کارفرما مشورت کنید تا انتخابتان مطمئن شود. اگر بررسی کردن سیم (کابل) آسان‌تر است، از آن شروع کنید و ابزار لازم مانند چند اسنج را آماده کنید. معیارها را روشن کنید. مثلاً هزینه کمتر از ۵ هزار تومان و زمان کمتر از یک ساعت. این کار کمک می‌کند منطقی تصمیم بگیرید و از هدر رفتن وقت جلوگیری شود. مشورت با دیگران نه تنها ایده‌های تازه می‌دهد، بلکه اعتماد به نفس را هم بیشتر می‌کند. در رشته‌های هنری مانند گرافیک، این گام می‌تواند به انتخاب طرحی کمک کند که هم زیبا باشد و هم عملی. با استفاده از منطق و حرف زدن با دیگران، می‌توانید بهترین مسیر را پیدا کنید و آماده اجرا شوید.

در نهایت، راه‌حل را اجرا و نتیجه را بررسی کنید. قدم به قدم پیش بروید، نتیجه هر مرحله را ببینید و اگر کار نکرد، گزینه بعدی را امتحان کنید. نتایج را بنویسید تا در آینده مفید باشد. برای دستگاه، سیم را بررسی کنید. اگر حل نشد، فیوز را عوض کنید و

بنویسید که سیم سالم بود، اما فیوز سوخته. اگر موفق شدید، روش را با دیگران در میان بگذارید. قبل از شروع، خطرهایی مانند برق‌گرفتگی را بررسی و ایمنی را رعایت کنید. مثلاً برق را قطع کنید. با ابزارهایی مانند پیچ‌گوشتی یا مولتی‌متر و دفتر برای ثبت، کار را

تمام کنید. این گام نهایی نشان می‌دهد حل مسئله چرخه‌ای است و همیشه می‌توان آن را بهتر کرد. در کارگاه‌های واقعی، این روش می‌تواند در زمان صرفه‌جویی کند و کیفیت کار را بالا ببرد...

**حل مسئله چرخه‌ای است و همیشه می‌توان آن را بهتر کرد. در کارگاه‌های واقعی، این روش می‌تواند در زمان صرفه‌جویی ایجاد کند و کیفیت کار را بالا ببرد**

راه‌حل را اجرا و نتیجه را بررسی کنید.



راه‌حل‌های ممکن را فهرست کنید



بهترین راه‌حل را انتخاب کنید





# وقوع

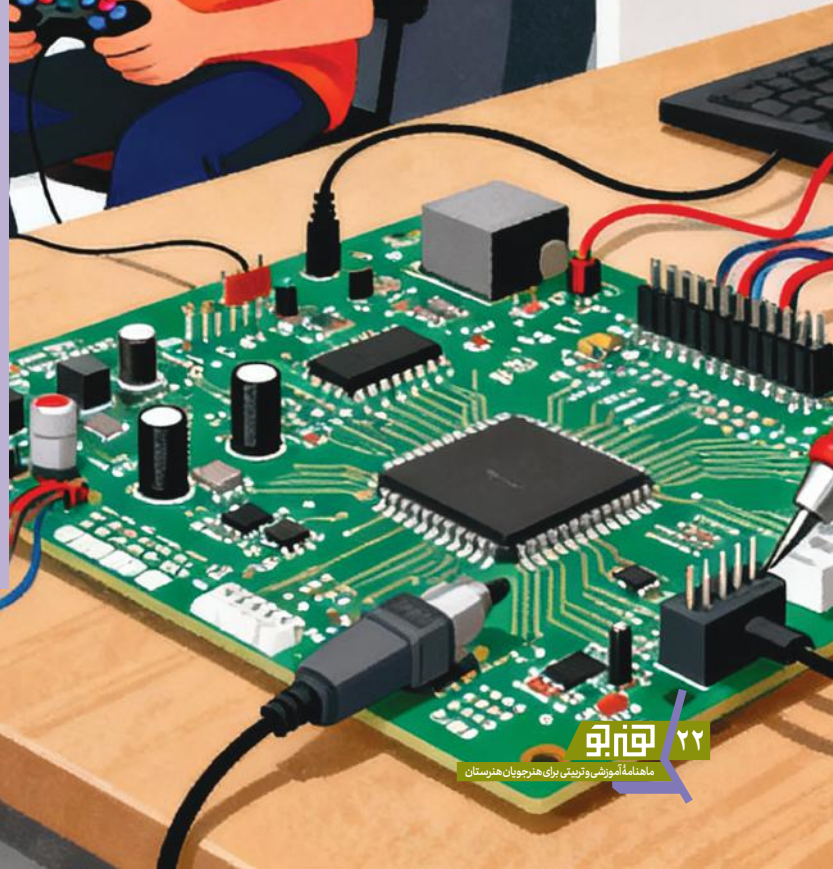
گاه‌مال‌میر



عالی بسازیم. چون آن‌ها آخر هفته مهمان داشتند، قرار شد تجهیزات را خودش بخرد و جمعه، ساعت ۹ صبح، بیای د خانه ما تا در اتاق من کار را شروع کنیم. البته هزینه تجهیزات را دونگی حساب می‌کنیم؛ بالاخره حساب حساب است و کاکا برادر.

مامان و آجی سمیه برای کمک رفته بودند خانه عمه زهرا. آخر عمه هر سال موقع عید غدیر نذری می‌دهد. یک بار آش رشته، یک بار عدس پلو و یک بار ساندویچ. امسال هم می‌خواست سالاد ماکارانی با سیب‌زمینی سرخ‌کرده درست کند. این است که مامان و آجی رفته بودند پیشش تا هم دست تنها نباشد و هم در ثوابش شریک باشند. بابا که روز تعطیلش بود و مشغول استراحت و نظافت و کارهای شخصی. البته از شرکت

آقای فرهادی، معلم درس «طراحی و ساخت مدار چاپی»، از همه کلاس‌ها یک امتحان سخت گرفت که نمره اصلی‌نی مسال را تشکیل می‌داد. خب، ما هم شب امتحان نی مسال تا دیروقت با خانواده مهمون خاله‌جون بودیم و من هیچ چی ز خوانده بودم. البته ای نکه قبلش هم سینما بودم و قبل از آن هم مسابقه فوتسال داشتم، بی‌تأثیر نبود. حالا کاری با اینکه نباید شب امتحانی باشم ندارم، ولی خب درکل روز قبل از امتحان، از صبح درگیر بودم. آقای فرهادی به کسانی که نمره نی مسالشون خوب نشده بود، یک فرصت دوباره داده بود تا در گروه‌های دوفره، پروژه مدار الکترونیکی چراغ‌های راهنمایی ترافیک را بسازند. من و یاسین هم با هم قرار گذاشتیم یک پروژه بیست و



# توبی وقت

مدام به گوشی‌اش زنگ می‌زدند، ولی گوشی را گذاشته بود روی حالت بی‌صدا. می‌گفت جمعه دیگر مال خودم و خانواده است. نمی‌شود که يك روز تعطیل هم همه‌اش بخواهم تلفنی حرف بزدم و کارکنم امن هم پاهای م را روی هم انداخته بودم و در حالت درازکش روی مبل پذیرایی لم داده بودم و با تمرکز ادی مشغول مراحل پایانی بازی جدیدی بودم که دیشب روی گوشی نصب کرده بودم. همین‌طور مشغول بودم که یکهو با صدای زنگ در به خودم آمدم. گوشی آیفن را برداشتم، دیدم که بله، آقا یاسین آمده. در را باز کردم، دیدم با عجله و نفس‌نفس زنان آمد بالا و کلی عذرخواهی، که ببخشید دیر کردم، آخه تاکسی گیرم نیامد و مجبور شدم از میدان قائم تا اینجا را بدوم. گفتم: «زود آمدی که! مگه دیر کردی؟!»

گفت: «کجایی سهیل؟! ساعت ۱۰ رو هم رد کرده، بیشتر از به ساعت از قرارمون گذشته‌ها!» آن قدر غرق گوشی شده بودم که اصلاً متوجه گذر زمان نشده بودم. نگاهی به ساعت انداختم و گفتم: «مرد حسابی کجایی پس تو؟ کلی کار داشتیم‌ها!» گفتم: «تو که توی هپروت بودی، الکی ژست طلبکارا رو به خودت نگیر. بریم تو اتاقت. این وسایلم از من بگیر، خسته شدم.»

رفتیم داخل اتاق و صفحه (برد) را گذاشتیم روی میز. کمی به طرح مدار در کتاب نگاه کردیم و کمی به تجهیزاتی که داشتیم. کمی هم به همدیگر گفتیم: «حله. کار دو دقیقه است. هیچ نگران نباش. خودم ردیفش می‌کنم.»

هویه را به برق زدم که صدای اعلان گوشی‌ام آمد. نگاه کردم، دیدم سجاد پیام داده. پیامش را باز کردم، زدم زیر خنده. نگاه پر تعجب یاسین را که دیدم، گفتم: «بیا ببین سجاد چه جوکی فرستاده!»

او هم جوک را خواند. با هم زدیم زیر خنده و مسخره‌بازی در مورد جوک. کمی با سجاد پیام بازی کردیم. بعد يك تکه‌فی لم (کلیپ) برای مان فرستاد. خیلی باحال بود. رفتیم داخل صفحه‌اش، پراز مطلب طنز و خنده‌دار بود. یکی یکی جوک‌ها را با هم خواندیم و تکه‌فی لم‌ها را نگاه کردیم، که يك

پیامک حال‌گیری آمد. مشترک گرامی شما تا ساعت ۱۱:۱۵:۴۳ تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۷ هشتاد و پنج درصد حجم بسته اینترنت... با دیدن این پیام، اعصابم خرد شد. گفتم: «آخه الان چه وقتش بود خروس بی محل؟!» همین لحظه بابای م از توی پذیرایی صدای م زد. رفتم ببینم چه کار دارد؟

«سهیل جان، از دوستت پذیرایی کن. براش شربت و بیسکویت ببر.»

♦ باشه بابا جون، هر وقت آماده شد، بگید می‌ام می‌برم.

«بله، بله؟! همین الان خودت زحمت می‌کشی درست می‌کنی و می‌بری. آلیمو تو یخچاله، شکرش تو کمده، آب رو هم امیدوارم خودت بدونی کجاست! با تنبلی و اکراه گفتم: «چشم. الان درست می‌کنم.» شربت و بیسکویت رو بردم داخل اتاق، دیدم یاسین خان دستهٔ ایکس باکس را گرفته است دستش و با وسوسه و حسرت خاصی دارد نگاهش می‌کند. گفتم: «چی اونجوری زل زدی بهش؟!»

يك لوح فشرده (سی‌دی) بازی برداشت و گفتم: «سهیل؟! این بازی رو از کجا آوردی؟ این هنوز تو بازار هم نیومده، از کجا تو سی‌دی‌های تو سردر آورده؟!» + بالاخره ما اینیم دیگه. فکر کردی کم‌الکیه؟ البته هنوز بازی‌ش نکردم، یعنی وقت نشده‌ها! از دیشب مشغول پروژه بازی گوشیم بودم! خداییش بیا به دقیقه این رو بنار، ببینیم چطوریه؟ آخه خیلی تعریفش رو شنیدم. تو مجلهٔ بازی هم کلی در موردش مطلب نوشته بودن. دمت گرم، واقعاً تو خیلی به‌روزی! باشه، حالا به آزمایش بکنیم، ببینیم چطوریه، بعد کار رو شروع می‌کنیم. کار زیادی نداره. خودم سریع انجامش می‌دم.

دستگاه را روشن کردم و لوح فشرده را گذاشتم. شروع کردیم به بازی. اولش کمی طول کشید تا دستمان بیای د چی به چپست، ولی کمی که راه افتادیم و به دهنمان مزه کرد، دیدیم خیلی خوب است. حدود بیست دقیقه‌ای بازی کردیم که دوباره صدای زنگ درآمد، رفتم در را باز کردم، دیدم رضاست. آن قدر سرگرم شده بودم که کلاً فراموش کرده بودم رضا هم قرار بود ساعت ۱۱:۳۰ بیای دکم‌کمان. آخر او درسش خوب بود. در فعالیت‌های پروژه‌ای و کارگاهی هم خیلی حرفه‌ای و کاربلد بود. تا رسید جلوی در

واحد، مثل یاسین، شروع کرد به عذرخواهی! «ببخشید دیر رسیدم. به کاری توی خونه پیش اومدم که باید حتماً به مامانم کمک می‌کردم تموم بشه. ♦ دیر که نکردی، قرار بودی ازده و نیم بیای دیگه! ♦ عزیزم حواست کجاست، الان ساعت یک ظهره‌ها!

♦ نه! چی می‌گی؟ محاله! با ترس، نیم نگاهی به ساعت روی دیوار پذیرایی انداختم. انگاری که یکهو یک سطل آب سرد ریختند روی تنم! سست شدم.

♦ وای آخه چطور ممکنه؟! ما که فقط بیست دقیقه بازی کردیم، چه جوری از یک ساعت و نیم و هم بیشتر گذشته؟! خندید و گفت:

«عجب! انگار شما هم خیلی منتظر من نبودید! حالا اشکال نداره. نگران نباش. بریم، با هم به کاریش می‌کنیم. من سعی می‌کنم نیم‌ساعته نکته‌های اصلی رو بگم، بقیه‌اش رو خودتون می‌تونید انجام بدید.»

♦ تونستن چیه بابا، دو دقیقه‌ای تمومش می‌کنیم! من دستم خیلی تیز و فزوه.

«نه بابا، راست می‌گی؟ این طور یام نیست آقا سهیل. کار داره این پروژه!»

رفتیم داخل اتاق، در را بستیم. گفتم: «یاسین پاشو، اون دستگاه لامصب رو خاموش کن. گاو‌مون بچه‌دار شده! ساعت یک ظهره‌ها!»

یاسین هاج و واج دکمهٔ خاموش رازد که در اتاق زده شد و بابا وارد اتاق شد: «خب‌خب‌خب، بچه‌های سخت‌کوش، آفرین! پروژه‌تون تموم شد؟ روشن کنید ببینم! سه نفری يك نگاه به هم و يك نگاه به تجهیزات ولو شدهٔ روی میز و بعد يك نگاه به بابام انداختیم. بابا که سریع متوجه شد قضیه از چه قرار است، سری تکان داد و گفت: آگه با همین فرمون پیش برید، صبح تا ظهر جمعه که هیچ، کل جوونی و زندگی تون هم می‌گذره و آخرش نمی‌فهمید چی شد و چه کردید؟!»

بعد، همان‌طور که بیرون می‌رفت، گفت: «مامان اینا کارشون بیشتر طول می‌کشه، تا عصر نمی‌ان. کمتر از یه ساعت دیگه ناهار می‌خوریم. دست بجنبونید زودتر جمع و جور کنید کارتتون رو.»

ادامه دارد...



پس همه چی ردیف شده سرباز کهنه کار

در مورد عملیات چی داری بهم بگی؟

فرمانده، بچه های مهندسی تا چهار ساعت دیگه می رسن، الان داریم تو منطقه کورادارهای ایران پرواز می کنیم.

فردا شب همه چی تمومه. گروگان ها رو آزاد می کنیم، تعدادی نظامی وفادار به شاه هم به ما کمک می کنن. نه تنها گروگان ها، بلکه کل ایران به چنگ ما می افته.



معلومه توی این مملکت چه خبره؟ نه پرچی، نه علامتی!

چرا اینا تو این ارتفاع کم پرواز می کنند؟ باید به پاسگاه بیسیم بزنم!



در این لحظه، در جاده ایرانشهر به خاش، یک جیب زاندار مری در حال عبور بود که ...

محمدی، صدایی نمی شنوی؟ شبیه صدای هواپیماست.

بله قربان، خیلی بلند! معلومه که تو سطح پایین داره پرواز می کنه.

بزن کنار!



این بیسیم لعنتی الان بازی درآورده. محمدی دوربزن، باید سریع بریم پاسگاه، تا گزارش بدم.

نگران نباش، تو به خلبان کارکشته ای، مگه ویتنام رو فراموش کردی ما! ما موریت های مشکل تراز این داشتیم.

بله قربان



چارلی، من از این وضع اصلاً خوشم نمی یاد!

اونجایه جهنم واقعی بود!



فرمانده، یکی از بالگردها رو از دست دادیم. داره به ناو هواپیمای برمی کرده.

# بیتابان طهران

نویسنده و تصویرگر: نادر ایزادگان

۳



چند ساعت بعد، یکی دیگر از بالگردهای آمریکایی در نزدیک جاده خاش به ایرانشهر فرود اضطراری کرد. بالگردهای دیگر خدمه اش را نجات دادند.

از چارلی تاگره هتل سیکس، یکی دیگه روز از دست دادیم، همه سالم هستن.

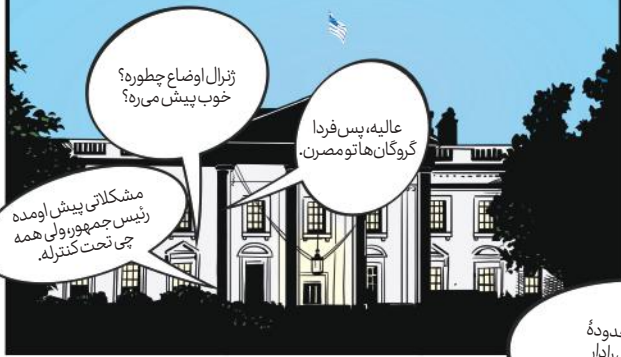
پایگاه رادار ارتش در شرق ایران



بله قربان، ۵ تا پرنده در مدار ۲۷ درجه شرقی و ۷ تا پرنده در ۳۲ درجه شرقی. متشکرم قربان.



واشنگتن، کاخ سفید، ساعت ۵ صبح، ۳ اردیبهشت ۱۳۵۹  
کارتر از زئرال های خود گزارش می خواهد.



زئرال اوضاع چگونه؟ خوب پیش می ره؟

عالیه، پس فردا گروگان ها تو مصرن.

مشکلاتی پیش اومده رئیس جمهور، ولی همه چی تحت کنترله.

بهرامی، ببین توی صفحه محدود رادار چیزی می بینی؟ می تونی رادار رو خاموش کنی. راستی، مگه نمی خواستی مرخصی ببری! الان می تونی بری.

ایران - کویر طیس، ساعت ۲۲:۳۰ شب، ۴ اردیبهشت ۱۳۵۹  
اولین سی ۱۳۰ در کویر طیس فرود می آید و تیم مهندسی و نیروهای فورس شروع به علامت گذاری باندها با چراغ های شیمیایی می کنند.



از هتل سیکس ۱ به هتل سیکس ۵: به دو تا از هتل سیکس ها دستور دادم منطقه رو ترک کنند.

از هتل سیکس ۵ به هتل سیکس ۱: زمین اینجا زیاد مناسب نیست و احتمال خطر زیادی برای فرود داره.



ساعت ۲۳:۱۵ دقیقه شب.  
دو فروند سی ۱۳۰ دیگر در صحرای طیس فرود آمدند.



ببینید

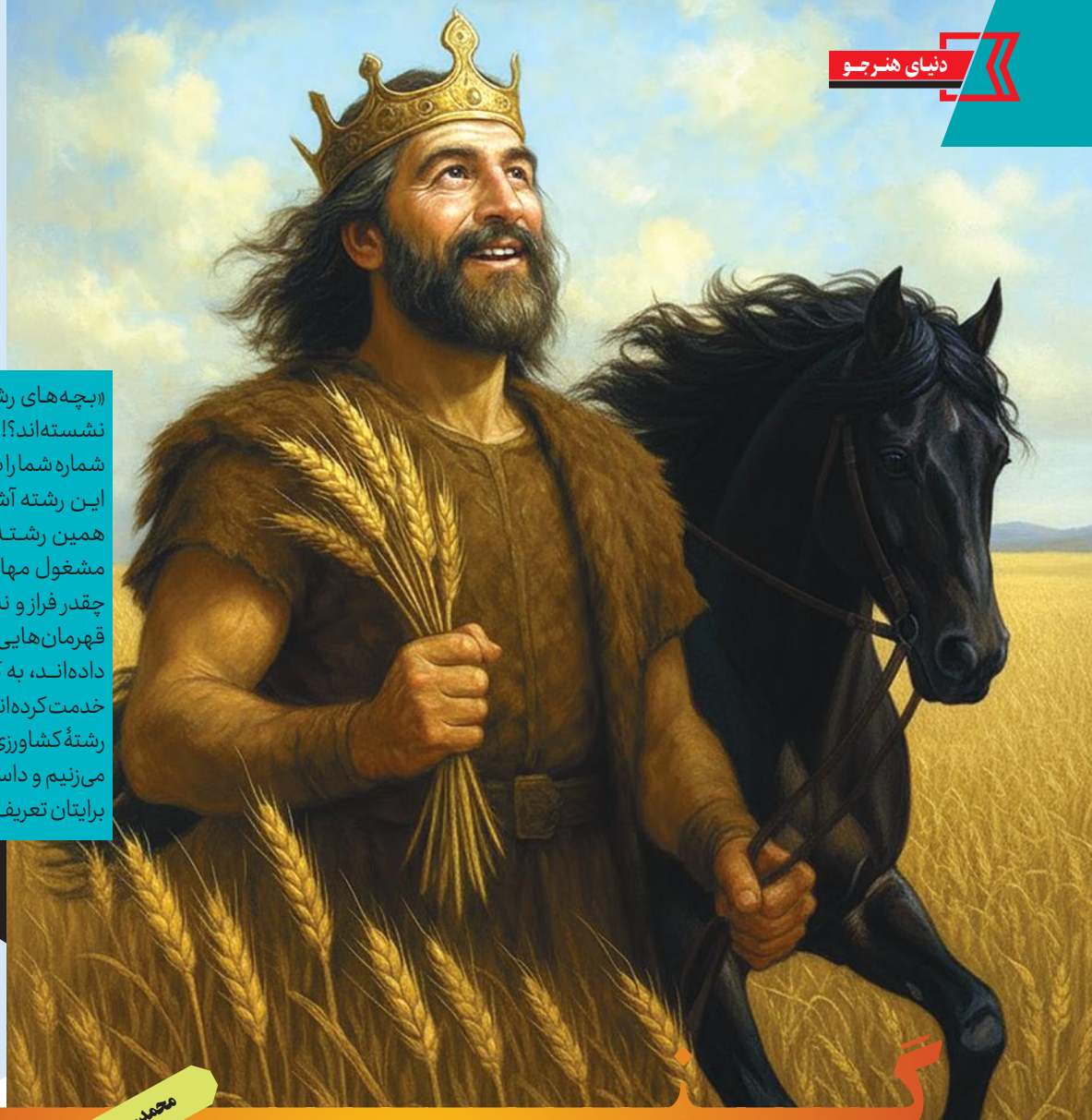
از چارلی تاگو به هتل سیکس: ما با سرعت کم در حال پروازیم، تا ۱۲ به شما ملحق می شیم. هوا طوفانی شده، نمی خوایم مشکلی برای موتورهای پیش بیاد.

از هتل سیکس به چارلی: تاگو، به گوشم.

لعنت به این ایران، همه جا تاریکه، هوا طوفانیه!



«بچه‌های رشته کشاورزی کجا نشسته‌اند؟! می‌خواهیم در این شماره شما را با یکی از اسطوره‌های این رشته آشنا کنیم تا ببینید همین رشته‌ای که شما در آن مشغول مهارت‌آموزی هستید، چقدر فراز و نشیب داشته و چه قهرمان‌هایی آن را سر و شکل داده‌اند، به کشور و مردمشان خدمت کرده‌اند و شده‌اند قهرمان رشته کشاورزی. سری به شاهنامه می‌زنیم و داستان این اسطوره را برایتان تعریف می‌کنیم.»



# شاهنامه

محمد رضا یوسفی

کوچه‌ای رفت و نگهبانی با شمشیری برکمر و نیزه‌ای در دست، دنبال مردان و اسب‌ها راه افتاد.

بادی تند برف‌ها را جارو کرد و در کوچه‌ها بر سر و روی مردان و زنانی که کاسه به دست جلوی خانه خود ایستاده بودند، می‌پاشید. همه جامه‌هایی از پوست حیوانات به تن داشتند، اما سرما تن آن‌ها را می‌لرزاند. مردان و اسب‌هایشان که کیسه‌های گندم بر پشت آن‌ها بود، در کوچه‌ها راه افتادند. جلوی هر خانه‌ای، به تعداد مرد و زنی که در آن بود، کاسه به دست دیده می‌شد. مردان جلوی هر خانه افسار اسبشان را می‌کشیدند،

چنگ مردی که هیکلی تنومند داشت، بیرون بیاورد. مرد مثنی محکم بر سراسب کوبید. حیوان آرام شد. دو کیسه گندم بر پشت اسب بود. مرد آن را از انبار بیرون آورد. چند زن و مرد با کاسه‌های سفالی در دست، به سوی اسب و مرد دویدند. نگهبانی جلوی آن‌ها را گرفت و با صدایی بلند گفت: «همه به خانه خود بروید. این فرمان هوشنگ شاه است. دور شوید!»

مرد تازیانه‌اش را در هوا تاب داد. زن و مرد از ترس شتابان رفتند. چند مرد دیگر با اسب‌های خود که کیسه گندم بر پشت آن‌ها بود، از انبار بیرون آمدند. هر یک به سوی

زمستانی سخت و پر برف بود. خانه‌های سنگی با طویله و انبارهایی در کنار هم در برف فرورفته بودند. کودکان از خانه‌ها بیرون نمی‌آمدند و مردان و زنان با جامه‌هایی از پوست ببر، پلنگ، گاو میش، گوزن و آهو در کوچه‌های تنگ می‌رفتند و می‌آمدند. انباری بزرگی که از همه خانه‌ها بزرگ‌تر بود، بالای دشت قرار داشت. کیسه‌های گندم در آنجا بودند و چند نگهبان دورتادورش. قصر هوشنگ شاه در بالای خانه‌ها از دور پیدا بود. دود آبی‌رنگ از بام چند خانه به آسمان می‌رفت. اسبی وحشی شبیه می‌کشید و شم می‌کوبید. می‌خواست افسارش را از



**در افسانه‌ها از هوشنگ شاه به عنوان انسانی یاد می‌کنند که برای نخستین بار کاشتن گندم را به دیگران آموخت**

بمانید و ببینید چه پیش می‌آید! زن و مرد از سخنان او حیرت کردند. هر یک چیزی گفت. هوشنگ شاه به آن‌ها گوش نداد و فرمان داد

زن و مرد زمین را شخم بزنند و گندم بپاشند و زمین‌ها را آبیاری کنند. او هوشنگ شاه بود و کسی نمی‌توانست فرمانش را گوش ندهد. خورماه هم با زنان به دشت رفت تا آن‌ها امیدوار باشند و گندم بکارند.

هوشنگ شاه هر روز به زمین‌های کشت‌شده سر می‌زد. قلبش در تب‌وتاب بود و نمی‌دانست سرانجام چه می‌شود. اگر او شکست می‌خورد، معلوم نبود چه پیش می‌آید. یک ماه که گذشت، زنان و مردان دانه‌های کاشته‌شده را دیدند که از دل خاک سر بر آوردند. همه حیران و متعجب به جوانه‌ها خیره ماندند. کسی باور نمی‌کرد. جوانه‌ها روز به روز بلندتر و سبزتر می‌شدند. سرانجام روزی زن و مرد خوشه‌های گندم را دیدند؛ طلایی‌رنگ و پر بار و خوش‌خوش‌کنان. همه از شادی فریاد کشیدند. به میان گندمزار دویدند. از شادی گریه می‌کردند. خوشه‌ها را ناز و نوازش می‌کردند و هر یک سخنی می‌گفت:

- گندم ما!
  - گندمی که ما کاشته‌ایم!
  - خوشه‌های پر بار را نگاه کنید!
  - هوشنگ‌شاه چنین اندیشه‌ای داشت!
  - باید او را گندم‌شاه نامید!
  - دیگر در زمستان کودکانمان گرسنه نمی‌مانند!
  - چه خوشه‌هایی!
  - دیگر مجبور نیستیم، با گندم‌های خود روزی زندگی کنیم! خودمان می‌توانیم گندم بکاریم!
- هوشنگ‌شاه و خورماه هم به میان گندمزار آمدند. خورماه خوشه‌ای گندم چید و آن را با نفسی بلند بو کرد. مردم فریاد می‌زدند درود بر هوشنگ‌شاه! از آن زمان، نام هوشنگ‌شاه در افسانه‌ها ماند. از او به عنوان انسانی یاد می‌کنند که برای نخستین بار کاشتن گندم را به دیگران آموخت.

**منبع**  
**شاهنامه فردوسی**

بده و مگذار پشت سرت سخنان ناسزا بگویند، هوشنگ‌شاه لب‌گزید و گفت: «باید برای زمستان سال دیگر فکری کرد.»

مردان به کوه و دشت و بیابان رفتند. هر شکاری را که به دست آوردند، به خانه خود بردند. زمستان با سختی و دشواری بسیار دردناکی به پایان رسید و بهار با شکوفه‌های درختان همه‌جا را گل باران کرد. گیاهان در کوه و دشت سراز خاک درآوردند. زن و مرد گیاهان جورواجور را می‌چیدند و با شکار و ماهی‌گیری روزگار می‌گذراندند.

روزی هوشنگ‌شاه همه مردان و زنان را صدا کرد. دستور داد کیسه‌های گندم را از اتاق آوردند و بر بام قصر چیدند. هوشنگ‌شاه با صدایی بلند و کوبنده گفت: «هر سال، قبل از زمستان، در تابستان و پاییز، شما به کوه و دشت می‌روید و هر کجا گندم خودرو می‌بینید، می‌چینید و به انبار می‌آورید. تا کی می‌خواهید این‌گونه زندگی کنید؟» زنان و مردان به کیسه‌های گندم خیره بودند. با خشم می‌گفتند: «چرا گندم‌ها را در قصر انبار کردی و کودکان ما را گرسنگی دادی؟!»

او پیش آمد و گفت: «گندم‌های خودرویی که شما هر سال می‌چینید و به انبار می‌آورید، چگونه رشد



می‌کنند؟ مگر نه اینکه دانه‌های گندم روی زمین می‌ریزند و سپس به زیر خاک می‌روند و پس از زمانی خوشه‌های گندم می‌شوند؟!»

همه مبهوت و سرگردان به سخنان شاه گوش می‌دادند. او گفت: «از امسال خودتان گندم بکارید! در این دشت وسیع گندم بکارید، آن را آبیاری کنید و چشمتان به گندم‌های خودرو در کوه و دشت نباشد. خودتان مانند آبدزدک زمین را شخم کنید و مانند باد دانه‌های گندم را روی زمین بپاشید و مانند ابر زمین را آبیاری کنید و منتظر

حیوان می‌ایستاد، مرد دهان کیسه را شل می‌کرد و این کاسه و آن کاسه پراز گندم می‌شد. اگر هم دانه‌ای روی زمین می‌افتاد، زنی آن را چنگ می‌زد و برمی‌داشت.

هوشنگ‌شاه بالای قصرش ایستاده بود و از دور زنان و مردان را نگاه می‌کرد. همسرش خورماه در کنارش بود. در حالی که به مردم خیره بود، گفت: «چه باید کرد تا انبار چنان پراز گندم شود که در زمستان کسی گرسنه نماند و مردم چنین نیازمند نباشند؟!»

هوشنگ‌شاه غرق در فکر بود. به سخن خورماه اندیشید و گفت: «همین انبار گندم هم تا نیمه زمستان به آخر می‌رسد. هر روز باید مشت‌های گندم کم کنیم تا بتوانیم زمستان را سرکنیم. پیش از زمستان، زن و مرد، همه دشت و کوه را گشتند و هر چه گندم خودرو در هر جا بود، چیدند و به انبار آوردند، اما کم است. باید فکری دیگر کرد.»

زمستان از نیمه گذشت و فقط چند کیسه گندم در انبار مانده بود. هوشنگ‌شاه دستور داد کسی به گندم‌ها دست نزند. فرمان داد همه را به قصر ببرند. مردم گرسنه بودند. این خبر در میان همه پیچید که هوشنگ‌شاه گندم‌ها را در قصرش



انبار کرده است تا خودش و خانواده‌اش گرسنه نمانند. نفرت از او بیشتر و بیشتر شد. او اتاقی را که کیسه‌های گندم در آن بودند قفل کرد و کلیدش را به گردن انداخت. پیران و بزرگان دور او حلقه زدند و خواستند گندم‌ها را به مردم بدهد، اما او به حرف بزرگان گوش نداد و تنها یک سخن گفت: «باید برای زمستان سال دیگر فکری کرد.» بزرگان سخن او را نفهمیدند و با خشم از قصر بیرون رفتند. خورماه به او گفت: «چرا مردم را خشمگین می‌کنی؟ هر چه گندم هست، به آن‌ها



# فرش های زه

مجید عمیق

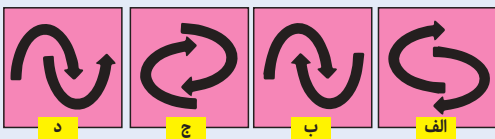
۴ با توجه به رابطه عددهای داخل مربع‌ها، آیا می‌توانید جای علامت سؤال عدد درست را حدس بزنید؟

۲	۱۰	۳
۵	۱۲	?
۷	۱۵	۳
۵	۱۸	۷

۵ مربع جادویی. آیا می‌توانید داخل خانه‌های خالی را با عددهایی پر کنید که حاصل جمع عددهای ردیف‌های افقی، عمودی و مایل ۱۱۱ شود؟ قبلاً چند تا از این عددها برایتان نوشته شده است.

۳۱	۷۳	۷
۱۳	۳۷	۶۱
۶۷	۱	۴۳

۶ کدام یک از این شکل‌ها با بقیه متفاوت است؟

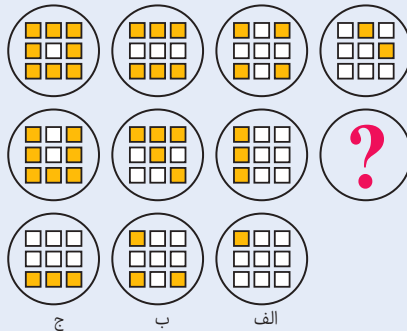


۷ ارزش عددی نمادهای ستاره، به علاوه، مربع، دایره و پنج ضلعی را محاسبه کنید تا از حاصل جمع آن‌ها عددهای ردیف‌های افقی و عمودی را به دست آورید.

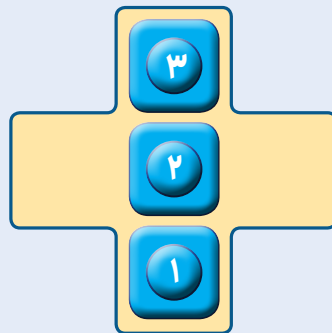
☆	+	☆	+	+	= ۲۳
☆	+	☆	●	☆	= ۱۵
+	+	+	●	●	= ۱۷
☆	●	☆	+	☆	= ۲۲
☆	+	+	☆	☆	= ۲۴
۲۶	۱۸	۱۲	۲۶	۱۹	

## سؤال‌های سرگرمی

۱ کدام گزینه باید جای علامت سؤال قرار گیرد؟



۲ در این نمودار، عددها را با کمترین تعداد جابه‌جایی، از بالا به پایین مرتب کنید؟

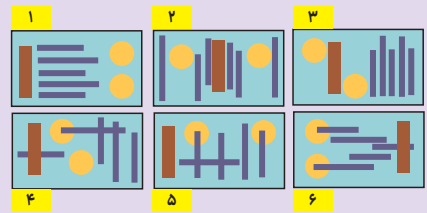


۳ سه نفر در یک ردیف پشت سر هم ایستاده‌اند. بلندقدترین نفر که در آخر صف است، می‌تواند سرهای دو نفر جلویی را ببیند. نفر وسطی هم سر نفر جلویی را می‌بیند و نفر جلویی سر هیچ‌کدام را. با چشم‌بند چشم‌های هر سه نفر را می‌بندیم. از میان سه تا کلاه مشکی و دو تا کلاه سفید، سه تا را روی سرشان می‌گذاریم و دو تا کلاه اضافی را جایی پنهان می‌کنیم. چشم‌بندها را باز می‌کنیم. وقتی از نفر آخر که بلندقدترین است، درباره رنگ کلاهش سؤال می‌کنیم، اظهار بی‌اطلاعی می‌کند. نفر وسطی هم همین‌طور. اما نفر جلویی می‌تواند رنگ کلاهش را حدس بزند. او چگونه توانست حدس بزند؟ کلاه او چه رنگی است؟

انواع صفحه‌های آردوبنو و بخش‌های آن توضیح می‌دهیم. سلام. در یک دقیقه‌ای این شماره درباره



۸ از میان این شش نمودار، یکی از آن‌ها با بقیه فرق دارد. آیا می‌توانید آن را در مدت ۱۰ ثانیه تشخیص دهید؟



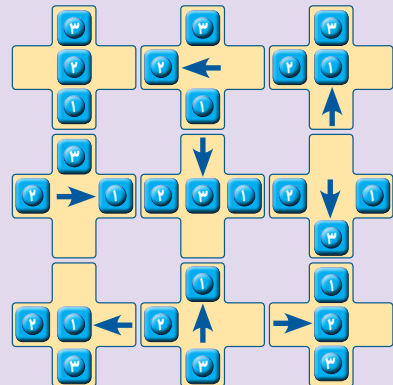
۹ چگونه می‌توانیم سبب را داخل این بطری که دهانه باریک دارد قرار دهیم، بدون آنکه بطری را بشکنیم یا سیب را ببریم؟



### جواب سؤال‌های سرگرمی

۱ گزینه الف. در هر ردیف، دو تا از تعداد مربع‌های سیاه کم شده است.

۲ این عددها با هشت بار جابه‌جایی مرتب می‌شوند



۳ مشک. چرا؟ نفر جلویی می‌دانست که او و نفر وسطی کلاه سفید بر سر ندارند، وگرنه نفر آخری می‌دانست که رنگ کلاهش مشک‌ی است (از آنجایی که فقط دوتا کلاه سفید داریم). همین‌طور نفر جلویی می‌داند که نفر وسطی او را با کلاه سفید ندیده است، چرا که اگر کلاه سفید داشت، با توجه به پاسخ نفر سوم، یا همان بلندقدترین نفر، وسطی می‌فهمید که کلاه مشک‌ی دارد. بنابراین، جلویی می‌فهمد رنگ کلاهی که روی سر دارد مشک‌ی است.

۴ عدد ۳. در هر ردیف، از الگوی به علاوه ۵ استفاده شده است که از حاصل جمع عددهای ردیف اول که ۱۵ است شروع شده است.

		۷
۱۳	۳۷	

۶ شکل «د» اگر هر کدام از این شکل‌ها را ۱۸۰ درجه بچرخانیم، به غیر از شکل «د»، بقیه دوباره شکل سابق خود را به دست می‌آورند.

۷ دایره ۲؛ مربع ۴؛ پنج ضلعی ۱؛ ستاره ۷؛ به علاوه ۵.

۸ نمودار ۲. همه این نمودارها از پنج عدد میله بنفش رنگ، دو عدد دایره زرد رنگ و یک عدد میله قرمز رنگ ضخیم تشکیل شده‌اند، اما در نمودار ۲ تعداد میله‌های بنفش رنگ شش تا است.

۹ سیب داخل بطری رشد کرده است. بطری پیش از آنکه سیب جوانه بزند و شروع به رشد کند، روی شاخه درخت سیب قرار داده شده است.



# شرایط کار در رشته صنایع چوب و مبلمان

امیر مهدی مرادیان



بفرمایید ببینید

کار می‌کردم. این شرایط خودش مشوقی شد برای اینکه این مهارت را ادامه بدهم.

❖ بازار کار در رشته صنایع چوب و مبلمان چگونه است؟

رشته صنایع چوب و مبلمان جزو رشته‌های پویاست. در این رشته بچه‌ها می‌توانند به سرعت جذب بازار کار شوند. خدا را شکر در هنرستان ما این امکان فراهم است که هنرجویان تولید و درآمدزایی کنند و از قبل این کار منتفع شوند. البته خب این موضوع از مدرسه به مدرسه متفاوت است. همچنین، من هنرجویانی دارم که بعد از اتمام ساعت مدرسه، در بیرون کار می‌کنند. بنابراین، بچه‌ها از بابت بازار کار خاطر جمع باشند.

❖ پیشنهاد یا توصیه شما به هنرجویان برای ورود به بازار کار چیست؟ آن‌ها کی می‌توانند وارد بازار کار شوند؟

بهترین زمانی که هنرجویان می‌توانند وارد بازار کار شوند، اوقات فراغت آن‌هاست. تعطیلات تابستان و البته ذیل کار روزی زمان مناسبی است. هنرجویان پس از گذراندن مدت تحصیلشان در هنرستان، برای کار روزی معرفی می‌شوند. این زمان که چیزی در حدود هشت هفته یا ۲۴۰ ساعت است، فوق‌العاده کمک خواهد کرد به اینکه بتوانند با محیط واقعی کار آشنا شوند. البته خیلی از بچه‌ها قبل از کار روزی در بیرون کار می‌کنند. اینکه این امکان فراهم است، از محاسن رشته صنایع چوب و مبلمان است.

❖ آیا هنرجویان حتماً باید وارد بازار کار شوند؟ اگر کسی قصد ادامه تحصیل داشته باشد، چگونه می‌تواند مراحل را طی کند؟

امکان ادامه تحصیل برای هنرجویان در تمام دوره‌های تحصیلی وجود دارد. نکته جالبی که می‌توانم خدمتان عرض کنم، این است که برخی استادان جوان دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل هنرستان هستند. بنابراین از این بابت هیچ محدودیتی نیست و هنرجویان می‌توانند ادامه تحصیل دهند.

❖ آیا اگر کسی بخواهد وارد حوزه کار در رشته صنایع چوب و مبلمان شود، برای شروع به سرمایه و امکانات زیادی نیاز دارد؟

با سلام خدمت هنرجویان عزیز. در این شماره از مجله رشد هنرجو به سراغ رشته هنرستانی «صنایع چوب و مبلمان» رفتیم و با مهندس صادق سرابی گفت‌وگو کردیم. ایشان تحصیلات دانشگاهی خود را در این زمینه ادامه دادند. در بازار کار این رشته فعال هستند و در هنرستان نیز تدریس این رشته را به عهده دارند. این گفت‌وگو را بخوانید:

❖ با سلام، لطفاً خودتان را معرفی کنید.

سلام. سرابی هستم، هنرآموز رشته چوب. از سال ۹۶ مشغول ب تدریس هستم و فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی از دانشگاه شهید رجایی تهران. کارشناس ارشد چندسازه‌های چوبی از دانشگاه زابل و در حال حاضر دانشجوی دوره دکترا.

❖ دانش، تجربه و مهارت شما چیست و در حال حاضر مشغول به انجام چه کاری هستید؟

هفت سال است به‌طور تخصصی در بازار آزاد فعالیت می‌کنم. در زمینه ساخت مصنوعات چوبی نظیر کابینت آشپزخانه و کمد دیواری مهارت دارم. شروع این قضیه برمی‌گردد به یک دهه قبل، زمانی که دانشجوی کارشناسی بودم و در حین تحصیل، به‌طور پاره‌وقت در بیرون



من فکر می‌کنم بچه‌های ما اعتماد به نفسشان کمی پایین است. شاید به خاطر آن پیش‌زمینه‌ای که از قدیم در جامعه وجود داشته و یک مجموعه امتیاز منفی به هنرجوی هنرستانی نسبت می‌دادند، من تلاش کردم فارغ‌التحصیلان مجموعه خودمان را که آدم‌های موفق بودند پیدا کنم و از آن‌ها خواستم بیایند و برای هنرجویان صحبت کنند. این جریان تا مدت‌ها روی بچه‌ها تأثیر خوبی گذاشته بود. اینکه هنرجو توانمندی‌های خودش را باور کند، اهمیت دارد و ارتباط با بزرگ‌تری می‌تواند این مهم را تأمین کند.

**این مجله رشد هنرجو است و مخاطب اصلی آن هنرجویان هستند. اگر توصیه‌ای به آن‌ها دارید، بفرمایید.**

من به همه دانش‌آموزان توصیه می‌کنم روی دانش و مهارت خودشان تمرکز کنند و صبر داشته باشند تا به نتیجه برسند. استمرار در یادگیری مهارت و دنبال کردن آن خیلی ارزشمند است. بچه‌ها باید آنچه در هنرستان و در عرصه بازار یاد می‌گیرند، به‌طور مستمر پیگیری کنند. این باعث می‌شود آن‌ها روزه‌روز موفق‌تر شوند.



### هنرستان در این رشته وجود دارد؟

به نظر من، هنرستان به‌مثابه سکوی پرتاب و نردبان است. وقتی هنرجو می‌بیند ما در محیط آموزشی داریم کسب درآمد می‌کنیم، همان‌طور که در حال حاضر در حال انجام این کار هستیم، انگیزه‌ای می‌شود و بیرون از هنرستان شروع می‌کند به کار کردن. ما در هنرستان الفبای کار کردن و کسب درآمد را به آن‌ها یاد می‌دهیم. بین هنرجویان نمونه‌های متعددی وجود دارند که در بیرون نیز کار می‌کنند و افراد موفق هستند.

### با توجه به پیشرفت فناوری، در مورد نرم‌افزارهای مورد استفاده در این رشته و اهمیت آن توضیح دهید.

در حوزه طراحی، «اتو کد» و «تری‌دی مکس» دو نرم‌افزار پایه هستند و نرم‌افزار تخصصی کابینت «کیچن دراو» هم در مباحث درسی هنرجویان مطرح است. این‌ها ملزومات رشته صنایع چوب‌اند. البته نرم‌افزارهای دیگری هم هستند. در اهمیت یادگیری و استفاده از این نرم‌افزارها باید گفت، با توجه به اینکه در حال حاضر ما با بازار رقابتی مواجه هستیم و در آن نوآوری و ایده‌های نو در طراحی کابینت فوق‌العاده اهمیت دارد، بنابراین، اگر بتوان ایده‌ای نو مطرح کرد که امتیاز ویژه‌ای برای مشتری داشته باشد، مثلاً طراحی اقتصادی و به‌روزتری داشته باشد، مسلم است درآمد و موفقیت بیشتری در بازار خواهد داشت.

### ارتباط هنرجویان با یک بزرگ‌تر مثل شما، که قبلاً مسیر پیش رویشان را پیموده است، چقدر می‌تواند مؤثر باشد؟



این شرایط بستگی دارد به آن مهارتی که هنرجویان انتخاب می‌کنند. اگر بخواهند به‌عنوان کارور (اپراتور) ساده مشغول کار شوند، تجهیزات زیادی نیاز ندارند. کارور دستگاه برش، کارور دستگاه لبه‌چسبان و... اگر بخواهند در مراکز خدماتی مشغول به کار شوند، به سرمایه اولیه هیچ نیازی ندارند، اما اگر بخواهند به‌عنوان نصاب سیار فعالیت کنند، یا مغازه‌ای باز کنند، به سرمایه اولیه‌ای نیاز است که خدا را شکر این امکان فراهم شده است که هنرجویان بعد از فارغ‌التحصیلی بتوانند با ارائه مدرک مورد نیاز، وام اشتغال بگیرند. در مجموع، اگر بخواهند به‌طور مستقل مغازه‌ای بزنند، باید حداقل ۱۰۰ میلیون تومان برای خرید تجهیزات در نظر بگیرند. مثلاً شما برای نصب کابینت یک عدد اره دستی (پرتابل) لازم دارید. اره عمودبرو اقسام دریل‌ها نیازند که هنگام نصب استفاده می‌شوند.

### به نظر شما موفقیت در رشته صنایع چوب و مبلمان بیشتر به مهارت عملی نیاز دارد یا دانش نظری؟ اگر بخواهید به آن‌ها درصدی اختصاص دهید، این درصدها چگونه‌اند؟

طبیعی است تلفیقی از هر دو لازم است. به نظر بنده اگر ۸۰ درصد به مهارت عملی و ۲۰ درصد به مباحث نظری پرداخته شود، خوب است.

### به‌عنوان آسیب‌شناسی، آیا در حال حاضر انگیزه مناسبی در میان هنرجویان برای کار کردن در بیرون از



# مشعلی در سرفصل



مرحوم استاد غلامرضا شکوهی عزیز غزلی دارند که توأمان مدح و مرثیه را برای حضرت صدیقه کبرا فریاد می‌زند:

توان واژه کجا و مدیح گفتن او؟  
قلم فناری گنگی است در سرودن او  
کشانندش به صحتی شعر ممکن نیست  
کمیت معجزه لنگ است پیش توسن او  
چه دختری، که پدر پشت بوسه‌ها می‌دید  
کلید گلشن فردوس را به گردن او  
چه همسری، که برای علی به حظ حضور  
طلوع باور معراج داشت دیدن او  
چه مادری، که به تفسیر درس عاشورا  
حریم مدرسه کربلاست دامن او  
بمیرم آن همه احساس بی‌تعلق را  
که بار پیرهنی را نمی‌کشد تن او  
دمی که فاطمه تسبیح گریه بردارد  
پیامی می‌چکد از چلچراغ شبیون او  
از آن ز دیدۀ ما در حجاب خواهد ماند  
که چشم را نزند آفتاب مدفن او



همراهان عزیز صفحه شعر امیدوارم حالتان خوب باشد. خواستم درباره آذر ماهی که در آن هستیم، برایتان یک مقدار توضیح بدهم. البته که آذرما سالمان هم به خاطر شهادت حضرت صدیقه طاهره و هم ولادتشان، یک آذر فاطمی است. به طور قطع در این باره شعرهایی خواهیم خواند.

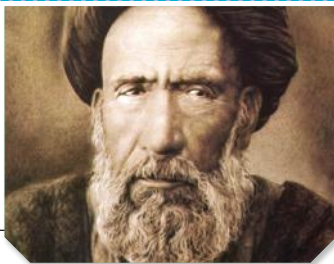
درگاه شمار آیین پیش از اسلام، یعنی زردشت، نهمین روز مهر ماه یا برج آذرو آذر روز نام داشت. و در آذر روز از آذر ماه، جشن آذرگان برگزار می‌شد.

نیاکان ما آذرگان را روزی خجسته و خوش یمن می‌دانستند و در خانه‌ها و بام‌ها آتش روشن می‌کردند. آن روز را با شادی و شادمانی و خواندن نیایش‌ها و گستردن سفره آیینی، با خوراکی‌های گوناگون در آتش‌کده‌ها که آذین‌بندی شده بودند، جشن می‌گرفتند. در جشن، چوب‌های خوش‌سوز و خوش‌بو در آتش قرار می‌دادند و به مناسبت آغاز سرما، از کسانی که آتش را روشن کردند، در آتشگاه، هر کس مشعلی به خانه‌اش می‌برد و آن آتش تا پایان زمستان در خانه‌ها روشن بود و نمی‌گذاشتند خاموش شود آن را باعث عاقبت خوش و فرجام و فرخنده نیک می‌دانستند. **مسعود سعد سلمان** هم در قطعه‌هایی که برای نام ماه‌های ایرانی سروده است، درباره «آذر ماه» می‌گوید:

ای ماه، رسید ماه آذر / بر خیزو بده می‌چو آذر آذر بفرز و خانه خوش کن / ز آذر صنما به ماه آذر  
او همچنین درباره «روز آذر» گفته است:  
ای خرامنده سرو تابان ماه / روز آذر می‌چو آذر خواه شادمان  
کن مرا به می‌که جهان / شادمان شد به فرد دولت شاه



رضابدالسماء، تشییع حضرت زهرا، فاطمه



# دل زمستان

محمد حسین مدادی



و همچنین ملک الشعراء بهار نیز برای او چنین نوشته است:

آن کس که تو را کشت و نه دلسوزی کرد  
نه فکر مکافات و سیه روزی کرد  
گویند که «کاظم جهانسوزی» بود  
خون تو مدرسا! جهان سوزی کرد



و در نهایت استاد حمید سبزواری، برای شهید عزیزمان، دکتر محمد مفتاح، این طور نوشته اند:

به خون تپیده و در خاک خفته یار دگر  
وطن به سوگ عزیزی نشسته بار دگر  
هنوز گرد غم رفتگان به رخ داریم  
که از کرانه برآمد سیه غبار دگر  
به کاروان شهیدان و عاشقان پیوست  
زخیل رهگذران مانده رهسپار دگر  
خبر رسید مفتاح به سوی دوست شتافت  
میاد بادیه خالی ز رهگذار دگر  
تو یادگار وفا بودی ای دریغ که رفت  
زبزم اهل وفا چون تو یادگار دگر  
خدا خدا تو نگهدار باغبان می باش  
که بذر لاله فشانند به نوبهار دگر  
مجاهدان و دلیران و عاشقان رفتند  
حمید ماند و یاران سوگوار دگر



اما شهادت شهید مدرس که در این ماه روی داده، داغی است بر دل های آزاده خواهان ایران در مقابل مستکبران و ظالمان تاریخ. کسی که تنها در مقابل استعمار و استثمار انگلیس ایستاد، ترور شد، به تبعید تن داد و در نهایت در تبعید از شربت شهادت سیراب شد.

بده ساقی آن لعلگون جام را  
دراو بادۀ تلخ ایام را  
مگر باز گویم از آن شب، سخن  
شبی شعله افکننده در جان من  
حکایتگر رنج مردان مرد  
روایتگر آتش و داغ و درد  
شبی اهرمن ساز و مردم گداز  
به محراب نیرنگ برده نماز  
در این پهنه پیکی پیامی نماند  
زدین نبی غیر نامی نماند  
مگر رادمردی در این گیرو دار  
به پاخواست زال نبی یادگار  
یکی آهنین عزم دشمن شکن  
به آزادی آراسته جان و تن  
«حسن» خلق و خوی حسینی دراو

علی گونه شور خمینی دراو  
زبانش یکی تیغ دشمن شکار  
نهفته دراو جوهر ذوالفقار  
ز شب خیمه برچید و آورد روز  
جهانتاب گردید و عالم فروز  
چو خورشید «مجلس» برافروخته  
رخ از سوز پنهان و خود سوخته  
به روشندلی گر «مدرس» نبود  
شب تیره را «ماه مجلس» نبود  
اگر چه ز کرباس تن پوش داشت  
ردایی چو خورشید بردوش داشت  
تو ای خفته در خاکدان سال ها  
دگرگون پس از خود نگر حال ها  
ز جا خیز و بنشین در این گفت و گوی  
که آن آب رفته درآمد به جوی  
تو را تا شهید از ستم ساختند  
ستم پیشگان برد را باختند  
تویی آن شهید خدایی که داد  
شب آشفته گان را پناه تو «داد»  
نمیری که مرگ تو آن زندگی است  
که سرچشمه مهر و تابندگی است  
**مشفق کاشانی**



# چشم انداز زمین‌شناسی آینده

امیر عقیلی

آسمان را نگاه کن. شاید امروز آبی باشد، شاید خاکستری! اما زیر پایت، در اعماقی که نور به آن نمی‌رسد، جهانی زخمی نفس می‌کشد. معدن‌های ایران، این گنجینه‌های خدادادی، نه تنها ثروت‌اند، بلکه آزمونی بزرگ برای نسل تو هستند. آیا می‌توانی ثروت را با وجدان، پیشرفت را با پایداری و هنر را با مسئولیت پیوند بزنی؟ اینجا دیگر صحبت از کشف گنج نیست، صحبت از نبردی است بین حرص و امید، بین ویرانی و آفرینش. و تو، هنرجوی امروز، در خط مقدم جبهه این نبرد ایستاده‌ای. فکرمی‌کنی معدنچی قرن بیست و یکم چه شکلی است؟ او نه فقط کلنگ و بیل به دست دارد، بلکه با تبلت، طرح‌های سه بعدی و ایده‌های سبز به دل زمین می‌رود. او می‌داند که هر متر مکعب خاکی که جابه‌جا می‌کند، بهای سنگینی دارد: آبی که ممکن است آلوده شود، گیاهانی که نابود می‌شوند، حیواناتی که خانه‌شان را از دست

هر طرحی که می‌کشی، هر ماشینی که می‌سازی، هر نقاشی‌ای که خلق می‌کنی، می‌تواند پیامی به آیندگان باشد: «ما تلاش کردیم... ما مسئولیت‌مان را فهمیدیم... ما زمین را دوست داشتیم.»



می‌دهند. اما او همچنین می‌داند که در همین خاک، موادی خوابیده‌اند که می‌توانند انرژی خانه‌ها را تأمین کنند، داروها را ارزان‌تر کنند، یا حتی با بازیافت، زباله‌های صنعتی را به مجسمه‌های شهری تبدیل کنند. مسئله این نیست که «استخراج کنیم یا نه»، مسئله این است که «چگونه استخراج کنیم...» و اینجاست که هنر تو وارد می‌شود. اگر رشته‌ات نقاشی است، چطور است یک پویش هنری راه بیندازی تا مردم را با عاقبت معدن کاوی غیراصولی آشنا کنی؟ اگر طراح صنعتی هستی، آیا می‌توانی ماشین‌آلاتی طراحی کنی که ضایعات معدن را به مصالح ساختمانی ارزان تبدیل کنند؟ حتی اگر عکاسی می‌خوانی، عکس‌ات می‌تواند زخم‌های زمین را ثبت کند و هم‌زمان، راه‌حل‌ها را به تصویر بکشد. تو نمی‌توانی بی‌تفاوت بمانی؛ چون هر رشته‌ای که انتخاب کرده‌ای، سلاحی است برای این نبرد.

آمارها ترسناک‌اند: ایران سالانه میلیون‌ها تن مواد معدنی استخراج می‌کند، اما سهم بازیافت و استفاده بهینه تقریباً صفر است. ما مثل کودکی هستیم که جعبه اسباب‌بازی‌هایش را پاره می‌کند تا به عروسک برسد، غافل از اینکه هر قطعه شکسته، بخشی از آینده‌اش را تباہ کرده است.

اما جوانانی هستند که می‌خواهند این قصه را تغییر دهند. مثل رها، دانش‌آموز محیط زیستی از اهواز، که با جمع‌آوری ضایعات معدن‌های زغال‌سنگ، رنگ‌های طبیعی تولید کرده و با آن‌ها دیورنگارهایی کشیده است که داستان زمین را روایت می‌کنند. یا گروهی از هنرجویان اصفهان که از خاک‌های آلوده معدن‌ها، سرامیک‌های مقاوم می‌سازند. این‌ها نه رؤیا، که واقعیت‌هایی دست‌یافتنی هستند.

فناوری امروز به تو اجازه می‌دهد کارهایی کنی که نسل‌های پیشین حتی فکرش را نمی‌کردند. با چاپگر سه‌بعدی، می‌توانی از گردوغبار معدن‌ها مجسمه بسازی. با هوش مصنوعی، الگوهای استخراج را بهینه کنی تا کمترین آسیب به محیط زیست وارد شود. حتی می‌توانی با یک برنامه، به روستاییان آموزش دهی چگونه از پساب معدن‌ها برای آبیاری محصولات مقاوم استفاده کنند. یا با مواد معدنی غنی ایران عزیزمان، چه محصولات ارزشمندی با مشتریان جهانی می‌توان ساخت. اینجا دیگر مرز بین هنر، فناوری و مسئولیت اجتماعی محو شده است.

اما شاید بپرسی: «من که فقط یک هنرجو هستم، چطور می‌توانم تغییری ایجاد کنم؟» جواب در پروژه‌های کوچک، اما تأثیرگذاری است که از همین امروز می‌توانی شروع کنی. یک مثال، در کارگاه سفالگری، به جای خرید گل آماده، از خاک‌های رنگی معدن‌های محلی استفاده کن. یا در رشته گرافیک، پوستری طراحی کن که معدن‌چیان را قهرمانانی سبزپوش نشان دهد، نه افرادی با لباس‌های خاک‌آلود. حتی می‌توانی با هم‌کلاسی‌هایت، یک «نوآفرینی هنری» راه بیندازی که ضایعات معدنی را به کسب‌وکار تبدیل کند. یادت باشد، سیاره زمین به ابرقهرمان‌هایی با صورتک و شنل نیاز ندارد، به جوانانی مثل تو نیاز دارد تا با ذهن‌های خلاق و دست‌های مسئولیت‌پذیر، هر روز قدم‌های کوچک بردارند.

دنیا دارد به سمت اقتصاد چرخشی حرکت می‌کند؛ جایی که هیچ چیزی دور ریخته نمی‌شود و هر ضایعاتی، ماده اولیه یک صنعت جدید است.

**دنیا دارد به سمت اقتصاد چرخشی حرکت می‌کند؛ جایی که هیچ چیزی دور ریخته نمی‌شود و هر ضایعاتی، ماده اولیه یک صنعت جدید است**

نوین تبدیل شود؛ جایی که هنرمندان از بقایای ماشین‌آلات فرسوده، آثار هنری خلق کنند. یا کارخانه قدیمی سیمان به گالری هنری‌ای تبدیل شود که تاریخ معدن‌کاری را با زبان دیجیتال هنر روایت می‌کند. این ایده‌ها نه شعار، که پروژه‌هایی واقعی هستند که در کشورهای دیگر اجرا شده‌اند. چرا ایران نباشد؟

سؤال اینجاست: تو می‌خواهی جزو کدام دسته باشی؟ کسانی که از معدن‌ها فقط سود کوتاه‌مدت می‌بینند و زمین را زخمی‌تر می‌کنند، یا کسانی که ثروت را با اخلاق گره می‌زنند و میراثی پایدار برای نسل بعد می‌سازند؟ انتخاب با توست. اما بدان که زمین تو را قضاوت خواهد کرد. هر طرحی که می‌کشی، هر ماشینی که می‌سازی، هر نقاشی‌ای که خلق می‌کنی، می‌تواند پیامی به آیندگان باشد: «ما تلاش کردیم... ما مسئولیت‌مان را فهمیدیم... ما زمین را دوست داشتیم.»

پس زمان را هدر نده. همین حالا و در همین لحظه: یک فهرست از مواد معدنی استان خودت تهیه کن. از معلمت بخواه یک بازدید میدانی از معدن یا

کارخانه بازیافت ترتیب دهد. در شبکه‌های اجتماعی، چالشی راه بینداز تا هنرجویان دیگر را وارد این جنبش کنی. یادت باشد، تغییر از جایی شروع می‌شود که یک نفر تصمیم می‌گیرد دیگر شاهد نباشد، بلکه بازیگر شود.

آخرین سؤال: وقتی نسل بعدی از تو بپرسد «شما وقتی جوان بودید، چه کار کردید؟» چه پاسخی داری؟ آیا می‌خواهی بگویی «من فقط درس خواندم و گذشتم»، یا ترجیح می‌دهی با غرور اشاره کنی به مجسمه‌ای که از ضایعات مس ساختی، به جنگلی که احیا کردی، یا به ایده‌ای که معدن‌کاری و صنعت معدن و ارزش آفرینی از مواد معدنی را متحول کرد؟ زمین منتظر پاسخ توست و زمان در حال تمام شدن است.



# کارآفرین موفق و ناموفق کیست؟

کارآفرین به فرد یا گروهی اطلاق می‌شود که اقدام به شروع کسب‌وکار می‌کنند. در این مسیر خوب و هیجان‌انگیز اما پرچالش، نکاتی وجود دارند که کارآفرین موفق و ناموفق را از یکدیگر متمایز می‌کنند. موفقیت هر کارآفرین در گرو چند عامل کلیدی است که هم‌زمان رشد می‌کنند و پیشرفت در پی دارند. در نهایت کارآفرین با استفاده کارآمد و مؤثر از یک فرصت اقتصادی، کسب‌وکارش را رونق می‌دهد و با خلق ایده‌های نوآورانه، شناخت شرایط و پایداری در مقابل تغییرات و به‌کارگیری انواع ابتکارها و تصمیم‌های منطقی و به‌موقع، کسب‌وکارش را به سوددهی می‌رساند. اما در مقابل، کارآفرین ناموفق بر اثر رعایت نکردن اصول و نکات مهمی که لازمه یک کسب‌وکار پویا و ماندگارند، سرانجام در رسیدن به اهدافش دچار زیان‌های مادی و معنوی می‌شود و در کسب‌وکارش شکست می‌خورد.

## ویژگی‌های کارآفرین موفق

### ۱/ هدف‌گذاری دقیق و مشخص:

هر کارآفرین موفق باید اهداف از پیش تعیین شده داشته باشد تا مسیری را که پیش رو دارد بهتر بشناسد و بر اساس آن برنامه‌ریزی و بر آن تمرکز کند.

### ۲/ تعهد و پشتکار:

موفقیت هرگز بدون تلاش مداوم و پشتکار حاصل نمی‌شود. موفقیت یک‌شبه به دست نمی‌آید و غالباً در این مسیر شکست‌ها و مانع‌های فراوانی وجود دارند که کارآفرین متعهد در برابر آن‌ها تسلیم نمی‌شود و راهش را با انرژی هر چه تمام ادامه می‌دهد. بسیاری از پیشرفت‌ها و دستاوردهای ما در کشورمان، در سایه همین پشتکار و تعهد نخبگان و دانشمندانمان اتفاق افتاده است که با وجود همه مشکلات و تحریم‌ها توانسته‌ایم در بسیاری از حوزه‌های پزشکی، صنعتی، کشاورزی، سدسازی و فناوری‌های نوین موفق عمل کنیم. هر چند این موارد در سطح کلان حاکمیتی هستند، اما همین کارآفرینان موفق که با بازیافت زباله آن‌ها را به محصول تبدیل کرده‌اند، یا ادیسون، مخترع برق، که با ده‌ها بار شکست اما با تلاش و پشتکار، موفق به اختراع لامپ روشنایی شد، نمونه‌های بارزی از تعهد و پشتکار و تسلیم‌ناپذیری در برابر موانع و شکست‌ها هستند.

### ۳/ نوآوری و خلاقیت:

مطرح کردن ایده‌های جدید و متفاوت و ارائه راه‌حل‌های خلاقانه کلید موفقیت است. کارآفرین توانمند باید بتواند بازار و نیازهای مردم را به خوبی شناسایی کند و محصول و خدمتی را ارائه دهد که متفاوت باشد و از رقیب‌ها پیشی بگیرد. برای مثال، ایده خودروهای برقی، بازار جدیدی در جهان خلق کرد.

### ۴/ مدیریت خوب زمان و منابع:

کارآفرین موفق از زمان و سرمایه و نیروی انسانی استفاده بهینه می‌کند، وگرنه موجب هدر رفتن منابع می‌شود و شکست می‌خورد.

### ۵/ خطرپذیری هوشمندانه:

کارآفرین موفق خطرها را به درستی مدیریت می‌کند و جسارت کافی برای اتخاذ تصمیم‌گیری‌های بزرگ‌تر را دارد؛ خطرپذیری‌هایی که ظرفیت زیادی برای بازگشت دارند. همین شرکت آمازون در جهان با پذیرش خطرهای زیاد توانست سیطره جهانی‌اش را گسترش و خدمات متنوعی ارائه دهد.

### ۶/ یادگیری مستمر و سازگاری با تغییرات:

جهان کسب‌وکار مانند دریا پرتلاطم و موج است و همیشه دچار تغییر می‌شود. کسانی که یادگیری را کنار نمی‌گذارند و خودشان را با تغییرات وفق می‌دهند، موفق‌ترند. همین شرکت مایکروسافت و گوگل نمونه‌های بارزی از این سازگاری و به‌روزرشدن هستند.

### ۷/ شبکه‌سازی و ارتباطات قوی:

داشتن ارتباط‌های گسترده فرصت‌های جدید می‌زاید و همکاری با افراد متعدد بسیار سودمند است. برای مثال، یک تولیدکننده صنایع دستی در ایران، با شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی می‌تواند با بازرگانان سایر کشورها آشنا شود و صادرات خود را به آن‌ها شروع کند. آن‌ها هم در کار او راغب به سرمایه‌گذاری می‌شوند و تولیداتش را گسترش و صادراتش را جهانی می‌کنند. به‌طور کلی، کارآفرین با هدف‌گذاری دقیق، چشم‌انداز روشن، خطرپذیری بالا، توانایی تطبیق با تغییرات جهانی، خلاقیت و نوآوری، اشتیاق و علاقه، سخت‌کوشی و پشتکار، مدیریت خوب زمان و منابع و نیروی انسانی، توانایی حل مسئله، شناخت بازار هدف، برنامه‌ریزی مالی درست، چینش تیم قوی و متخصص، خودباوری، یادگیری مستمر، بردباری در برابر شکست‌ها، متمرکز شدن بر اهداف و دوری از پراکنده‌کاری، ارتباط‌های گسترده و شبکه‌سازی، مشتری‌مداری و صداقت و اخلاق حرفه‌ای، در مسیر کسب‌وکارش هرگز شکست نمی‌خورد و کارآفرین موفق می‌شود.

چه اتفاقی می افتد که یک کارآفرین در مسیر کسب و کارش با شکست مواجه می شود و چه نوع اشتباه هایی را مرتکب می شود؟

#### ۱ / نداشتن برنامه ریزی و هدف مشخص:

کارآفرین ناموفق کسب و کارش را بدون برنامه ریزی دقیق و معلوم نکردن اهدافش که باید به شکل کوتاه مدت و میان مدت و بلندمدت باشند، راه اندازی می کند. در نتیجه مسیرش را گم می کند و سرمایه اش را هدر می دهد.

#### ۲ / برآورد نادرست از هزینه ها و درآمدها:

دست کم گرفتن هزینه ها و خوش بینی بیش از اندازه به سود، نداشتن بودجه اضطراری و مدیریت نکردن هزینه ها، در نهایت به مشکلات مالی و موفق نشدن منجر می شود.

#### ۳ / نداشتن شناخت کافی از بازار و مشتریان:

ناآشنایی با بازار هدف و تولید محصول یا ارائه خدمات بدون بررسی نیاز بازار و نادیده گرفتن نیاز و بازخورد مشتری مشکل ساز می شود.

#### ۴ / توجه نکردن به بازاریابی و فروش:

بازاریابی و راهبرد فروش نامناسب و اجرای چند پروژه هم زمان و پراکندگی در ایده ها، در نهایت منجر به این می شود که حتی بهترین محصولات هم فروش نروند.

#### ۵ / چیدن تیم نامناسب:

انتخاب افراد بدون انگیزه، مهارت یا تعهد لازم، همکاری با کسانی که هیچ تخصصی در حوزه مربوطه ندارند و صرفاً دوست یا فامیل هستند، یا خودمحوری و نپذیرفتن نظر تیم و مشتریان، در نهایت به تکرار

اشتباه ها و تصمیم گیری های نادرست منجر می شود و کسب و کار را به شکست می برد.

#### ۶ / ترس از شکست یا خطر کردن:

لجاجت و یکدندگی در نپذیرفتن نوآوری یا تغییر و تعلل در تصمیم گیری به فرصت سوزی و شکست کسب و کار منجر می شود.

#### ۷ / ناتوانی در بازاریابی مؤثر:

نداشتن راهبرد بازاریابی، اعتماد افراطی به تبلیغات سنتی با صرف هزینه های بدون برنامه و تمرکز نکردن بر مشتری و تمرکز بیش از اندازه بر محصول و نادیده گرفتن نیازهای واقعی مشتری مسئله ساز می شوند.

#### ۸ / تعجیل در رشد و توسعه، بدون فراهم بودن زیرساخت مناسب:

توهم رشد سریع بدون فراهم بودن زیرساخت مناسب و منابع کافی، مدیریت ضعیف زمان و منابع و نداشتن اولویت بندی مناسب، به فروپاشی کسب و کار منجر می شود.

#### ۹ / کم توجهی به آموزش و به روز شدن:

نداشتن تحلیل رقابتی و دست کم گرفتن تهدید رقیبان و اهمیت ندادن به یادگیری مستمر و به روز نشدن در دنیای مدام در حال تغییر بازار، به عقب ماندن از رقبا و رکود کسب و کار منجر می شود.

#### ۱۰ / پافشاری برای ایده های اولیه، حتی پس از شکست:

ناتوانی در تغییر مسیر یا تطبیق با شرایط جدید و نادیده گرفتن شواهد مبتنی بر ناکارآمدی ایده های قبلی و ادامه روش های قدیمی و پیشی گرفتن رقیبان در سایه استفاده از فناوری های نوین، موجب رکود کسب و کار و موفق نشدن کارآفرین می شود.

کارآفرین ناموفق

# دریاهای تجاری



هر کسب و کار و بازاری، به خصوص بازارهای مالی و تولیدی، همیشه باید از طرف یک نهاد نظارتی بی طرف بازرسی و کنترل شوند

سعید نسیری

هر کسب و کار و بازاری، به خصوص بازارهای مالی و تولیدی، همیشه باید از طرف یک نهاد نظارتی بی طرف بازرسی و کنترل شوند و ناظرو مجری حتماً دو فرد جداگانه باشند که ارتباط یا منافع مشترکی با هم نداشته باشند تا ناظر بتواند وظیفه خود را به بهترین شکل انجام دهد و دچار رو دربايستی و تعارف نشود یا خدای نکرده زمینه همکاری و چشم پوشی از تخلف برای بازرسی ایجاد نشود. به این موضوع «اصل استقلال ناظر» می گویند که از نظر اخلاقی و قانونی بسیار مهم و حیاتی است. اما چه می شود اگر این اتفاق نیفتد؟ داستان ما از اوایل قرن هجدهم در بریتانیا شروع می شود؛ جایی که دولت پادشاهی بعد از

چندین دهه جنگ با فرانسه و اسپانیا در آستانه ورشکستگی قرار داشت و وزیر خزانه داری جدید تمام راه ها را برای جبران کسری بودجه و پیدا کردن حامی مالی پیموده و ناکام مانده بود تا اینکه یک پیشنهاد عجیب از طرف مردی عجیب دریافت کرد. جان بلانت معروف به جان تیزی کش، یک دلال و آهنگر جوان، که سال ها پیمانکار دولت بود و برای ارتش شمشیر تولید می کرد، به وزیر جدید پیشنهاد داد تمام بدهی های دولت را در ازای اجازه تأسیس یک شرکت تجاری بخرد؛ کمپانی ای که قرار است در دریاهای جنوبی به شیوه کمپانی هند شرقی به تجارت استعماری مشغول شود و هزینه اولیه تأسیس آن از فروش اوراق سهام تأمین شود. یعنی

به اندازه ای که دولت بدهی دارد، کمپانی مزبور برگه سهام چاپ کند و با فروش آن ها به قیمت هر کدام ده پوند، تأسیس شود. مدیریت آن هم در اختیار کسانی باشد که از دولت طلبکارند و اکنون سهامدار شرکت شده اند، یا اگر نخواستند، سود فعالیت آن به تسویه بدهی های آن ها اختصاص یابد. کمپانی دریاهای جنوب! طرحی که روی کاغذ بسیار منطقی و ساده به نظر می رسد، ولی در عمل با مشکلات بسیار زیادی روبه رو بود. اول اینکه سوددهی چنین طرحی ماه ها و شاید سال ها زمان می برد. دوم اینکه آهنگرو افراد حاضر در پروژه هیچ تجربه ای در تجارت دریایی نداشتند. سوم اینکه احتمالاً کسی حاضر نمی شد سهام

پسرش از هیئت مدیره، خودش را رئیس شرکت اعلام کرد تا رئیس بزرگترین شرکت جهان باشد! و این خبری بود که مثل بمب در افکار عمومی بریتانیا صدا کرد و باعث شد قیمت سهام به پانصد پوند برسد! و بزرگترین حباب اقتصادی تاریخ شکل بگیرد.

البته این حباب سرابی بود که مانند سایر حباب‌ها دیر یا زود باید می‌ترکید ....

(ادامه دارد)

منبع:

<https://www.historic-uk.com/HistoryUK/HistoryofEngland/South-Sea-Bubble/>

هم نداشت و اوضاع جنگ بسیار بد بود! اما قیمت سهام شرکت او، به دلیل ورود مداوم پول، همچنان در حال صعود بود و پشتیبانی سیاسی از او همچنان در حال افزایش، تا جایی که ژنرال‌ها و ناخداهای ارتش که می‌دانستند این وعده‌ها توخالی هستند و با طرح‌های او مخالفت می‌کردند، با فشار بلانت در مجلس، همگی زندانی یا تبعید شدند و طولی نکشید که حتی ولیعهد انگلیس هم به جرگه سهامدار شرکت پیوست و بلانت با فرصت طلبی بلافاصله او را رئیس هیئت مدیره کرد. اکنون دیگر هیچ نیرویی به جز خود پادشاه قادر به متوقف کردن این شرکت نبود. قیمت سهام شرکت هم از پنجاه پوند عبور کرده بود؛ یک حباب بزرگ برای شرکتی که اصلاً وجود نداشت. هر ناظر عاقلی اینجا متوجه می‌شد که این دیگر اوج جنون است و باید به سرعت متوقف یا معلق شود، ولی این اتفاق هرگز نیفتاد، چون سامانه نظارت و کنترلی که قرار بود جلوی این اتفاقات را بگیرد، مثل مجلس، دولت و مجلس سنا، یا حتی خود کاخ سلطنتی، خودشان همگی سهامدار و هیئت مدیره شده بودند. پس کمپانی خیالی همچنان تخته‌گاز ادامه داد تا جایی که قیمت سهامش به صد پوند رسید. اوضاع عجیبی شده بود؛ از کارگر و رفتگر گرفته تا لرد

و سرمایه‌دار، همگی برای خرید یک برگ کاغذ سهام سرو دست می‌شکستند. حتی بازار بهابازار (بورس) لندن، به دلیل فشار فروش برای سایر شرکت‌ها، به‌کل منحل شد! چون همه می‌خواستند پول‌هایشان را از سهام شرکت‌های واقعی و سودده خارج کنند و سهام کمپانی خیالی دریای جنوبی را بخرند. بسیاری از صنایع با بحران نقدینگی مواجه و تعطیل می‌شدند و پول از صنعت و تجارت واقعی خارج می‌شد و به دفتر جان تیزی کش در کنار ساختمان مجلس سرازیر می‌شد. طولی نکشید که قیمت سهام شرکت سیصد پوند را نیز رد کرد؛ یعنی اکنون ارزش اسمی کل شرکت (تعداد کل سهام × قیمت روز هر سهم) از ارزش تمام اقتصاد بریتانیا هم بیشتر بود! شرکتی که به هیچ اموالی نداشت!

اینجا بود که دیگر پادشاه جورج اول تاب نیاورد و به‌شخصه وارد عمل شد. البته سخت در اشتباهید اگر فکر کنید برای متوقف کردن این دیوانگی بلکه او به‌طور مستقیم با کنار زدن

کمپانی‌ای را که وجود نداشت بخرد و در آخر و از همه بدتر اینکه دریاهای جنوب در اختیار اسپانیا و پرتغال بودند که هر با انگلیس دو روابط تیره‌ای داشتند و نه تنها اجازه تجارت به آن‌ها نمی‌دادند، بلکه کشتی‌های انگلیسی را به محض نزدیک شدن به بندرهایشان غرق می‌کردند! با وجود همه این عوامل، به‌صورت منطقی اعضای مجلس باید این پروژه را رد می‌کردند، ولی این واقعیت که دولت انگلیس با تأسیس این شرکت یک شبه از شر تمام بدهی‌هایش خلاص می‌شد و بار بدهی‌ها بردوش یک آهنگر جسور و شرکت احمقانه‌اش می‌افتاد، بسیار وسوسه‌کننده بود. البته جان بلانت تیزی کش زنگ‌تر از آن بود که نداند چه کار می‌کند. او با هوشمندی توانست بسیاری از لردها و قانون‌گذاران مجلس را پیشاپیش سهام‌دار پروژه کند و با دادن وعده سمت‌های مهم مدیریتی در این کمپانی خیالی، رأی آن‌ها را بخرد. در ضمن رشوه‌ها و لابی‌گری‌های پنهان او تا جایی ادامه یافت که توانست انحصار تجارت در دریاهای جنوب را در اختیار بگیرد! اما مهم‌ترین امتیازی که بلانت از مجلس و اعضای پاک‌دستش گرفت، این بود که برخلاف توافق اولیه با وزیر خزانه‌داری، که اصرار می‌کرد قیمت سهام کمپانی در عدد ثابت ده پوند که مناسب تسویه بدهی‌ها بود

بماند، او توانست سهام کمپانی دریاهای جنوب را شناور کند؛ یعنی سهام شرکتی که هنوز وجود نداشت و سود واقعی تولید نمی‌کرد، می‌توانست با تقاضای بیشتر تغییر کند و گران‌تر شود و حتی از میزان لازم برای تسویه بدهی‌های دولت نیز فراتر برود. اینجا بود که نقشه شوم بلانت شروع شد.

او توانست با تبلیغات زیاد و جذب افراد مشهوری همچون بازیگران نمایش، رمان‌نویس‌ها و سیاست‌مداران نامدار، لردها و درباریان، جنجال تبلیغاتی بزرگی برای فروش سهامش به پا کند، تا جایی که حتی ایذاک نیوتن، فیزیکدان بزرگ، و سایر نامداران عصر هم به این پویش پیوستند و باجه‌های فروش مملو از جمعیت شد. در مدت کوتاهی، قیمت سهام به بیست پوند و در عرض چند ماه به سی پوند رسید! هر چقدر که هیجان مردم برای خرید سهام کمپانی دریای جنوبی افزایش می‌یافت، وعده‌های بلانت نیز بیشتر می‌شد. او وعده داده بود با شکست دادن دشمنان انگلیس در جنوب، تمام مستعمرات آن‌ها فتح و به اموال شرکت انحصاری او اضافه خواهد شد، اما واقعیت این بود که شرکت حتی یک کشتی

**ارزش اسمی کل شرکت  
(تعداد کل سهام × قیمت  
روز هر سهم) از ارزش  
تمام اقتصاد بریتانیا هم  
بیشتر بود! شرکتی که به  
جز یک باجه فروش سهام  
هیچ اموالی نداشت!**



مهدی اعظم نبوی

نفسیه فضلی



بینید

# استان زنجان

برق و کنترل ابزار دقیق و امکان اشتغال در صنایع معدنی مثل «زنجان روی» و دیگر کارخانه‌ها، رشته مکترونیک (روباتیک صنعتی) و توانایی تعمیر روبات‌ها و برنامه‌نویسی پی‌ال‌سی و فعالیت در شهرک‌های صنعتی از جمله نصیرآباد و شرکت‌های خودروسازی، رشته کشاورزی نوین (هیدروپونیک) و کسب مهارت در مدیریت گلخانه و آبیاری هوشمند و امکان اشتغال در گلخانه‌های صنعتی زنجان، انتخاب رشته جوشکاری پیشرفته و فعالیت در پتروشیمی زنجان و دیگر پروژه‌های عمرانی، از جمله رشته‌های پربرازده برای پسران خواهد بود. رشته‌های مرتبط با معدن و خودرو، به دلیل وجود صنایع بزرگ در زنجان، اشتغال ۸۵ درصد از فارغ‌التحصیلان را تضمین می‌کند. همچنین رشته‌های رایانه (گرافیک دیجیتال) و مهارت در فتوشاپ و طراحی، امکان فعالیت در شرکت‌های نوآفرین فناوری و بنگاه‌های تبلیغاتی را برای دختران زنجان فراهم می‌آورد. تحصیل در رشته‌های حسابداری مالی، صنایع غذایی، کودکیاری و طراحی دوخت، و به ترتیب اشتغال در شرکت‌های بازرگانی و اداره‌ها، کارخانه‌های لبنیات، واحدهای بسته‌بندی خشکبار و مهدکودک‌های خصوصی و مراکز توان بخشی و کارگاه‌های تولید پوشاک و مزون‌ها از دیگر رشته‌های پربرازده در استان برای دختران خواهند بود. در این میان، رشته گرافیک دیجیتال با حداقل سرمایه‌گذاری (رایانه شخصی) امکان کارآفرینی خانگی را فراهم می‌کند. رشته تعمیر تلفن همراه و تجهیزات دیجیتال، به دلیل رشد بازار تعمیرات و افزایش کاربران گوشی‌های هوشمند،

نیاز بازار کار زنجان به فن‌ورز (تکنسین) خودرو، با توجه به وجود شرکت‌های قطعه‌سازی و رشد نوآفرین (استارت‌آپ) های فناوری در مرکز استان، از عوامل محبوبیت این رشته‌ها بوده و سیاست‌های حمایتی استان (اعطای تسهیلات اشتغال به فارغ‌التحصیلان، همکاری صنایع محلی با هنرستان‌ها)، تبلیغات مؤثر (برگزاری نمایشگاه‌های مهارتی سالانه در محل نمایشگاه بین‌المللی زنجان، معرفی الگوهای موفق)، به‌روزرسانی رشته‌ها (اضافه شدن رشته‌های جدیدی مانند تعمیر خودروهای ترکیبی از سال ۱۴۰۲، و روباتیک صنعتی با حمایت شرکت‌های معدنی استان)، از جمله عوامل استقبال از رشته‌های هنرستان هستند. با توجه به راه‌اندازی هنرستان تخصصی معدن در آبیک، همکاری با شرکت‌های مدنی و توسعه رشته‌های حوزه کشاورزی نوین متناسب با ظرفیت‌های زراعی استان زنجان، پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۰۵ شاهد رشد ۲۰ درصدی هنرجویان باشیم. تجهیز هنرستان‌های روستایی، افزایش سهمیه رشته‌های پرتقاضا (مثل تعمیر خودروهای الکتریکی) و جذب سرمایه‌گذاران برای ایجاد اشتغال می‌تواند روند صعودی استقبال از رشته‌های مهارتی در استان زنجان را حفظ کند.

با عنایت به تحلیل بازار کار رشته‌های هنرستانی و ظرفیت‌های استان زنجان، رشته تعمیر خودروهای سبک و سنگین با امکان جذب در شرکت‌های قطعه‌سازی و تعمیرگاه‌های معتبر، تحصیل در رشته برق صنعتی و کسب مهارت در تابلوی

استان زنجان با پیشینه غنی صنعتی و کشاورزی، در سال‌های اخیر گام‌های بلندی در توسعه آموزش‌های مهارتی برداشته است. هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاراندیش این استان، با هدف تربیت نیروی کار ماهر و پاسخ‌گویی به نیازهای بازار محلی، رشته‌های متنوعی را ارائه می‌دهند. این گزارش توصیفی، با بررسی آخرین آمار ثبت‌نام، پرتفردارترین رشته‌ها، نرخ اشتغال فارغ‌التحصیلان و چالش‌های پیش رو، تصویری جامع از وضعیت فعلی هنرستان‌های زنجان ارائه می‌کند. تمرکز اصلی این تحلیل بر همسویی آموزش‌ها با ظرفیت‌های اقتصادی استان، از جمله صنایع معدنی، کشاورزی نوین و فناوری‌های نوین است. یافته‌های این گزارش می‌تواند در انتخاب آگاهانه‌تر مسیر مهارتی، به سیاست‌گذاران آموزشی، خانواده‌ها و دانش‌آموزان کمک کند.

بر اساس داده‌های اداره کل آموزش و پرورش استان زنجان، در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ تعداد هنرجویان ۱۱ درصد رشد داشته است؛ به طوری که از ۶۸۰۰ هنرجوی فنی و حرفه‌ای در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۱ به ۷۵۰۰ نفر در سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ رسیده است. تعداد هنرجویان کاراندیش نیز از ۵۲۰۰ نفر به ۵۸۰۰ نفر افزایش یافته است.

رشته‌های «مکانیک خودرو، کامپیوتر (شبکه و نرم‌افزار)، برق صنعتی و تربیت‌بدنی» پرتفردارترین رشته‌های فنی و حرفه‌ای و «تعمیر موبایل، صنایع چوب، حسابداری مالی و کودکیاری» چهار رشته پرتفردار کاراندیش در سال تحصیلی گذشته بوده‌اند.

گنبد سلطانیه



عمارت ذوالفقاری



قلعه بهستان ماهنشان



مسجد جامع



روستای شیلاندر



غار کتله خور



شکوفه انار



پل میربهاالدین



ملیله‌کاری



۴۰

رشته راهنمای گردشگری با توجه به توسعه جاذبه‌های تاریخی استان و رشته انرژی‌های تجدیدپذیر و نیاز معادن و صنایع به کاهش مصرف انرژی، از جمله رشته‌های مشترک پرفریت برای هر دو گروه خواهد بود.

پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۰۲ شاهد رشد ۳۰ درصدی تقاضا برای نیروی متخصص در رباتیک و خودکارسازی صنعتی و افزایش ۴۰ درصدی موقعیت‌های شغلی در صنایع غذایی، به‌ویژه خشکبار، باشیم. بنابراین انتخاب رشته‌های مکترونیک یا جوشکاری پیشرفته در یکی از هنرستان‌های شهرک‌های صنعتی برای پسران و انتخاب رشته گرافیک دیجیتال یا حسابداری با اولویت هنرستان‌های مرکز استان مثل هنرستان الزهرا توصیه می‌شود.

رشته‌های تازه تأسیس فنی و حرفه‌ای و کاردانش با بالاترین ظرفیت اشتغال در زنجان (۱۴۰۵-۱۴۰۴) رشته‌هایی با بازار کار داغ

رشته/ نوع آموزش / مراکز جذب در زنجان  
تعمیر خودروهای هیبریدی / الکتريکی فنی و حرفه‌ای/ نمایندگی‌های ایران خودرو و تعمیرگاه‌های تخصصی  
هوش مصنوعی و اینترنت اشیا/ فنی و حرفه‌ای/  
شرکت‌های فناوری مرکز رشد زنجان  
پرورش قارچ‌های دارویی/ کاردانش/ شرکت‌های دانش‌بنیان کشاورزی  
نانو فناوری در صنایع غذایی/ فنی و حرفه‌ای/  
کارخانه‌های لبنیات

#### نکته مهم:

نیاز فوری صنعت خودروی زنجان به فن‌ورهای خودروهای دوگانه (ترکیبی) و برنامه‌ریزی برای تبدیل شدن استان زنجان به قطب فناوری غذایی، از مهم‌ترین دلایل تأسیس این رشته‌ها در سال تحصیلی جدیدند. الف) شهر صنایع هوشمند در این قسمت، رشته‌هایی چون چاپ سه بعدی، رباتیک صنعتی و تعمیر خودروهای با سوخت ترکیبی (هیبریدی) به بازدیدکنندگان معرفی می‌شوند.

#### رشته‌هایی منطبق بر ظرفیت‌های خاص استان زنجان

رشته‌هایی چون «مدیریت پسماند» وجود معدن‌های فعال روی و سرب و نیاز به بازیافت، گردشگری سلامت (بهره‌گیری از گیاهان دارویی منطقه طارم)، رباتیک صنعتی (همکاری با شرکت‌های استخراج) به‌طور مستقیم با سند توسعه استان همسو هستند.

مسیرهای تضمین موفقیت

انتخاب رباتیک معدن و کارآموزی در شرکت‌های گوناگون، به‌علاوه گذراندن دوره‌های جوشکاری

پیشرفته سازمان فنی و حرفه‌ای؛

تحصیل در رشته نانو فناوری غذایی و همکاری با مراکز تحقیقات کشاورزی؛

یادگیری طراحی «وی آر» برای معرفی جاذبه‌های گردشگری؛

#### جمع‌بندی نهایی

اولویت اول: تعمیر خودروهای ترکیبی (با توجه به خط تولید جدید ایران خودرو)

اولویت دوم: نانو فناوری غذایی (ظرفیت بسیار زنجان در صنایع لبنی)

رشته‌های در حال ظهور: رباتیک معدن و گردشگری سلامت

#### نکته مهم:

هنرستان شهید باهنر زنجان (مجری رشته‌های نوظهور) و هنرستان کشاورزی طارم (متخصص در گیاهان دارویی) بهترین گزینه‌ها هستند.

#### جمع‌بندی

استان زنجان با تکیه بر ظرفیت‌های منحصربه‌فرد صنعتی و کشاورزی در توسعه آموزش‌های مهارتی گام‌های مؤثری برداشته است. تحلیل آمارهای اخیر نشان می‌دهد، استقبال از رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش در این استان روند صعودی داشته، به طوری که در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۳، ۱۱ درصد رشد ثبت‌نام نسبت به سال قبل مشاهده شده است. رشته‌هایی مانند «تعمیر خودروهای هیبریدی، رباتیک صنعتی، و کشاورزی نوین»، به دلیل نیاز بالای صنایع محلی (معدن، خودروسازی و کشاورزی) از ظرفیت اشتغال بسیاری برخوردارند. همچنین، رشته‌های نوظهور مانند «نانوفناوری غذایی و مدیریت پسماند معدنی» با برنامه‌های توسعه استان همسو شده‌اند.

با این حال، چالش‌هایی مانند «کمبود هنرستان‌های مجهز در مناطق روستایی و نیاز به مربیان متخصص در حوزه‌های جدید» همچنان پابرجاست. برای تحقق اهداف آموزشی، «تقویت همکاری بین هنرستان‌ها و صنایع (مانند شرکت کالسیمین و زنجان‌روی) و توسعه دوره‌های کارآموزی عملی» ضروری به نظر می‌رسد. در مجموع، زنجان با سرمایه‌گذاری هدفمند بر رشته‌های «متناسب با اقتصاد محلی»، می‌تواند به الگویی موفق در آموزش‌های مهارتی تبدیل شود.

#### نکته کلیدی

زنجان نیازمند تمرکز بر «رشته‌های هایتک (مثل رباتیک معدن) و توسعه زیرساخت‌های آموزشی» در مناطق محروم است.

خانواده‌ها و دانش‌آموزان می‌توانند با انتخاب رشته‌های پرتقاضا (مکترونیک، انرژی‌های نو)، آینده شغلی بهتری را تضمین کنند.

با نگاهی به آینده، استان زنجان در آستانه تحولی چشمگیر در حوزه آموزش‌های مهارتی قرار دارد. این استان قصد دارد با «تأسیس پنج هنرستان تخصصی جدید» تا سال ۱۴۰۵، گام‌های بلندی در راستای تربیت نیروی کار ماهر بردارد. این هنرستان‌ها با محوریت «صنایع معدنی، کشاورزی هوشمند و فناوری‌های نوین» طراحی شده‌اند و قرار است با مشارکت فعال شرکت‌های بزرگ استان مانند زنجان روی و پتروشیمی زنجان به بهره‌برداری برسند. یکی از نقاط قوت زنجان، «توجه هم‌زمان به آموزش‌های سنتی و نوین» است. از یک سو، رشته‌هایی اصیل مانند صنایع دستی (چرم‌سازی و ملیله‌کاری) در هنرستان‌های مرکز استان تدریس می‌شوند و از سوی دیگر، رشته‌های پیشرفته‌ای مانند «هوش مصنوعی و اینترنت اشیا» در حال راه‌اندازی هستند. این تنوع آموزشی باعث شده است دانش‌آموزان با هر سطحی از علاقه و استعداد، امکان یافتن مسیر شغلی مناسب را داشته باشند. چالش‌های پیش رو نیز نیازمند توجه ویژه هستند. کمبود کارگاه‌های مجهز در برخی مناطق محروم استان و فاصله مهارت‌های آموزش‌داده شده با نیازهای واقعی صنعت از جمله مانع‌هایی هستند که باید برطرف شوند. پیشنهاد می‌شود با ایجاد مراکز مهارت‌آموزی سیار و برگزاری دوره‌های مشترک با صنایع، این مشکلات کاهش یابند.

در پایان باید اشاره کرد، زنجان با تکیه بر ظرفیت‌های منحصربه‌فرد معدنی و کشاورزی و همچنین استقبال خوب جوانان از آموزش‌های فنی، می‌تواند به الگویی موفق در کشور تبدیل شود. تحقق این امر مستلزم تخصیص بودجه کافی، جذب مربیان مجرب و ایجاد ارتباط مستمر با صنایع است. با این اقدامات، هنرستان‌های زنجان خواهند توانست در توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی استان سهم مهمی ایفا کنند.



چاروف دوزی



موزه مردان نمکی



## « شهادت بانوی دو عالم

۳

آذر

ای بانوی دو عالم، تو را چه می شود که با دلی پراز اندوه و جسمی شکسته، زمین را ترک کردی؟ شهادتت یادآور غربت علی (ع) و یتیمی حسنین (ع) است. کاش جهان در برابر مظلومیتت بیدار می شد. شما نور خداوند بودید که به زمین آمدید تا پیام عشق و عدالت را به جهانیان برسانید. امروز درسوگ بانویی نشسته ایم که مظلومانه در کنار پدرش پیامبر (ص) و همسرش علی (ع) شمع ایمان را فروزان نگه داشت. شهادت بانوی دو عالم تسلیت باد!

## « روز بسیج

۵

آذر

بسیج لشکر مخلص خداست. بسیج لغت نامه عشق و معرفت است. کتاب سبز ایمان است؛ کتابی که به قلم حکمت امام خمینی (ره) نگاشته و با همت و غیرت بسیجیان منتشر شد. بسیجی مفسر اندیشمند حماسه حسینی است. هفته بسیج گرامی باد!

## « نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران

۷

آذر

روزی است که دلاور مردان شجاع نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران، با کمترین امکانات، توانستند بزرگترین ضربه را به دشمنان یعنی وارد کنند و شجاعانه از حقانیت ایران اسلامی دفاع کنند. آن‌ها با اهدای خون خود در آب‌های خلیج فارس، به ندای حق لبیک گفتند و با افتخار به شهادت رسیدند. یاد و نامشان گرامی باد!





بفرمایید ببینید



### روز دانشجو

روز دانشجو روز تجلی اندیشه‌های نو و اراده‌های خستگی‌ناپذیر برای ساختن فردایی روشن‌تر است. این روز نماد حرکت، آزادی‌خواهی و امید به آینده‌ای بهتر است. دانشجو نیروی محرک جامعه و نماد پرسشگری و آگاهی است. روز دانشجو یادآور اهمیت علم، دانش و مسئولیت‌پذیری جوانان در مسیر ساختن دنیایی عادلانه‌تر است.

۱۶

آذر

### هفته پژوهش

پژوهش قلمه‌ای از درخت بی‌پایان علم است که در ذهن جوانه می‌زند و با کاوش و تجربه به ثمر می‌رسد، با تحقیق و مطالعه رشد می‌کند و ثمره‌اش پیشرفت و توسعه است. هفته پژوهش یادآور استواری و استحکام پایه‌های دانش است که جامعه را به سوی ترقی می‌برد...

۲۵

آذر

### میرزا کوچک خان

میرزا کوچک خان در دل جنگل‌ها قد کشید؛ با دلی پراز غیرت و چشمی روشن از ایمان. برف سرد نتوانست آتشی را خاموش کند که او برای آزادی روشن کرده بود. تنش افتاد، اما نامش ایستاده ماند و در تاریخ جاودانه شد؛ هم‌قد قله‌های سرفراز گیلان.

۱۱

آذر

### شب یلدا

یلدا، شبی به بلندای تاریخ و به ژرفای افسانه‌های کهن است؛ شبی که با سوز سرما، دل‌ها را به گرمای کانون خانواده پیوند می‌دهد و در پیچ‌وخم‌های فلسفی زمان، گذر شب و روز به گفت‌وگوی عشق بدل می‌شود. یلدا آیینی است که در آن انسان در مواجهه با ظلمت بلندترین شب سال، فلسفه‌ای از امید و روشنایی را می‌آموزد. قصه‌گویی در این شب، چون مرهمی بردل‌های اندوهگین از گذر زمان است و لحظه‌هایش در ژرفای حکمت مردمان کهن، ماندگار، یلدایتان مبارک!

۳۰

آذر

### روز قانون اساسی

روز قانون اساسی به‌عنوان نماد تأسیس نظام جمهوری اسلامی و تأکید بر اصول و ارزش‌های آن شناخته می‌شود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان سندی مهم، اصول کلی نظام سیاسی، حقوق و آزادی‌های شهروندان، و ساختار حکومت را تعیین می‌کند. این قانون بر مبنای آرمان‌های انقلاب اسلامی و با هدف ایجاد یک نظام سیاسی بر پایه مشارکت مردم و ارزش‌های اسلامی نوشته شده است.

۱۲

آذر

# فنی و حرفه‌ای در اندونزی

دنیاهنرمند



دانش‌آموزان در فنی و حرفه‌ای باید امتحان‌های ملی عمومی و عملی را پشت سر بگذارند تا گواهی فارغ‌التحصیلی و گواهی صلاحیت دریافت کنند. این گواهی‌ها را نهاد ملی گواهی‌نامه حرفه‌ای صادر می‌کند و بر اساس چارچوب صلاحیت‌های ملی اندونزی ۹ سطح دارند. پس از اسام کی دانش‌آموزان می‌توانند به مؤسسه‌های عالی فنی مانند پلی‌تکنیک‌ها یا دانشکده‌های جامعه وارد شوند که برنامه‌هایی تا سطح دی ۴ (معادل کارشناسی حرفه‌ای) را عرضه می‌کنند. این ساختار انعطاف‌پذیر اجازه می‌دهد افراد مسیر آموزش را بر اساس علاقه و توانایی‌های خود ادامه دهند؛ چیزی شبیه دانشگاه‌های فنی و حرفه‌ای خودمان.

یکی از ویژگی‌های اصلی این نظام، تأکید بر آموزش عملی و ارتباط نزدیک با صنعت است. دانش‌آموزان بخشی از زمان خود را به کارآموزی در کارخانه‌ها یا شرکت‌ها اختصاص می‌دهند. این بخش به عنوان «پی‌کی‌ال»<sup>۸</sup> شناخته می‌شود. یک کار جالب دیگر در اندونزی، وجود مدل کارخانه آموزشی<sup>۹</sup> است؛ جایی که مدرسه‌ها مانند کارخانه‌های واقعی عمل می‌کنند و دانش‌آموزان در تولید محصولات واقعی شرکت می‌کنند. برای مثال، در گزارش‌های این کشور<sup>۱۰</sup>، مدل‌هایی مانند همکاری مدرسه‌ها با شرکت‌های فناوری توصیف شده که دانش‌آموزان در هم‌گذاری (مونتاژ) تجهیزات الکترونیکی مشارکت می‌کنند. این رویکرد نه تنها مهارت‌های فنی را تقویت می‌کند، بلکه به توسعه مهارت‌های نرم مانند کار گروهی و مدیریت زمان کمک می‌کند. همچنین، برنامه «اس‌ام‌کی پی‌کی»<sup>۱۱</sup> که در سال ۲۰۱۹ راه‌اندازی شد، مدرسه‌های منتخب را به یک مرکز خاص تبدیل می‌کند و با همکاری دانشگاه‌ها، صنایع و دولت‌های محلی، تجهیزات آزمایشگاهی آن‌ها را به روزرسانی می‌کند. این برنامه بر پروژه‌های واقعی و نیازهای صنعت تمرکز دارد و دانش‌آموزان را برای دریافت گواهی‌های بین‌المللی آماده می‌کند.

اندونزی را حتماً می‌شناسید. یک کشور مسلمان در شرق آسیا که جزو کشورهایی است که با سرعت هرچه تمام‌تر در حال رشد و پیشرفت اقتصادی است. دانستن درباره فنی و حرفه‌ای هنرستان‌هایش حتماً جالب خواهد بود. نظام آموزش فنی و حرفه‌ای در اندونزی، که با عنوان پندیدیکان و کاسی<sup>۱</sup> شناخته می‌شود، بخشی از نظام آموزشی رسمی این کشور است و بر تربیت نیروی کار ماهر تمرکز دارد.

دوره هنرستان فنی و حرفه‌ای در اندونزی پس از دوره متوسطه اول (اس‌ام‌پی)<sup>۲</sup> آغاز می‌شود، جایی که دانش‌آموزان می‌توانند مسیر «اس‌ام‌کی»<sup>۳</sup> را انتخاب کنند. این دوره سه‌ساله است و شامل ترکیبی از درس‌های نظری و عملی می‌شود که به سه دسته تقسیم شده‌اند: درس‌های هنجاری<sup>۴</sup> (مانند آموزش مذهبی و شهروندی)، تطبیقی<sup>۵</sup> (مانند ریاضیات، انگلیسی و علوم پایه) و مولد<sup>۶</sup> (مهارت‌های عملی مرتبط با صنعت).

بر اساس گزارش‌های وزارت آموزش اندونزی،

**نظام آموزش فنی و حرفه‌ای در اندونزی، که با عنوان پندیدیکان و کاسی<sup>۱</sup> شناخته می‌شود، بخشی از نظام آموزشی رسمی این کشور است و بر تربیت نیروی کار ماهر تمرکز دارد**



در مجموع، نظام آموزش فنی و حرفه‌ای اندونزی نمونه‌ای از چگونگی طراحی یک نظام آموزشی برای حمایت از نیازهای اقتصادی و اجتماعی است. این نظام با ارائه آموزش‌های عملی، رشته‌های متنوع و فرصت‌های کارآموزی، امکان کسب مهارت‌های لازم برای مشاغل را به دانش‌آموزان می‌دهد. از سوی دیگر، بخش بزرگی از موفقیت‌های اقتصادی اندونزی هم مدیون همین هنرچوها و هنرستان‌هاست. داستان‌های موفقیت فارغ‌التحصیلان و ارتباط نزدیک این نظام با بخش‌های کلیدی اقتصاد مانند کشاورزی، صنعت و مشاغل سبز، تأثیر مثبت آن بر جامعه را نشان می‌دهد.

### پی‌نوشت‌ها

1. Pendidikan Vokasi
2. SMP
3. SMK+Sekolah Menengah Kejuruan
4. normative
5. adaptive
6. productive
7. D4
8. PKL:Praktek Kerja Lapangan
9. Teaching Factory
10. kemdikbud.go.id
11. SMKPK
12. Bappenas
13. ATMISurakarta
14. SMK2Pangkalpinang
15. FPDual-inspired

رشته‌های موجود در نظام فنی و حرفه‌ای اندونزی بسیار متنوع هستند و براساس ظرفیت‌های منطقه‌ای و ملی طراحی شده‌اند. هفت حوزه اصلی شامل اقتصاد خلاق، ماشین‌آلات و ساخت‌وساز، مهمان‌نوازی، خدمات مراقبتی، دریایی، کشاورزی و همکاری‌های خارجی می‌شوند. برای نمونه، در رشته کشاورزی، دانش‌آموزان با فناوری‌هایی نوین مانند کشاورزی هوشمند آشنا می‌شوند، در حالی که در رشته دریایی، مهارت‌های مربوط به شیلات و حمل‌ونقل دریایی آموزش داده می‌شوند. این رشته‌ها با توجه به موقعیت جغرافیایی اندونزی به عنوان مجمع‌الجزایر بزرگ، اهمیت ویژه‌ای دارند. همچنین، با تمرکز بر مشاغل سبز، رشته‌هایی مانند انرژی تجدیدپذیر و مدیریت پسماند اضافه شده‌اند تا به چالش‌های زیست‌محیطی پاسخ دهند.

اما همان‌طور که گفتیم، اندونزی در حال رشد اقتصادی است و باز هم مثل همیشه پای هنرستان‌ها وسط است. این کشور با اقتصادی مبتنی بر کشاورزی، معدن، گردشگری و صنعت، به نیروی کار ماهر نیاز دارد تا بر بهره‌وری بیفزاید. بر اساس گزارش‌های آژانس توسعه ملی اندونزی<sup>۱۳</sup>، آموزش فنی و حرفه‌ای به کاهش بیکاری کمک کرده و مشاغل سبز را که در سال ۲۰۲۳ حدود ۳٫۶ میلیون شغل (۲٫۶۲ درصد نیروی کار) ایجاد کرده است، تقویت می‌کند؛ برنامه‌هایی مانند مراکز آموزشی جامعه با راه‌اندازی بیش از چهار هزار کارگاه تا سال ۲۰۲۳، دسترسی به آموزش را در مناطق روستایی افزایش داده است.

سری به پایگاه‌های مدرسه‌ها و دانشکده‌های فنی اندونزی می‌زنیم تا ببینیم هنرجویانشان در چه حال و هوایی هستند. در پایگاه پلی‌تکنیک خودپرداز سوراکارا<sup>۱۴</sup> فارغ‌التحصیلان که در مدل کارخانه آموزشی تحصیل کرده‌اند، در تولید تجهیزات بیمارستانی شرکت می‌کنند و پس از فارغ‌التحصیلی، ۳۰ درصد بالاتر از هم‌تایان خود درآمد دارند. این فارغ‌التحصیلان غالباً به شرکت‌های بزرگ می‌پیوندند و محصولاتی را برای بازارهای داخلی و خارجی تولید می‌کنند. مورد دیگر، دانش‌آموزان مدرسه پانگکالپینانگ اس‌ام‌کی<sup>۱۵</sup> هستند که در همکاری با یک مجموعه، رایانه‌های کناری را هم‌گذاری می‌کنند و پس از اتمام دوره، به‌طور مستقیم استخدام می‌شوند. یکی از ابتکارهای جالب، برنامه آموزش دوگانه<sup>۱۶</sup> آن‌هاست که دانش‌آموزان را هم‌زمان در مدرسه و صنعت آموزش می‌دهد؛ مشابه مدل‌هایی در آلمان که قبلاً با هم بررسی کرده بودیم. این برنامه با حمایت از صنایع، امکان دریافت حقوق در حین کارآموزی را فراهم می‌کند و بر نرخ استخدام می‌افزاید.

داستان‌های موفقیت  
فارغ‌التحصیلان و ارتباط  
نزدیک این نظام با  
بخش‌های کلیدی اقتصاد  
مانند کشاورزی، صنعت و  
مشاغل سبز، تأثیر مثبت  
آن بر جامعه را نشان  
می‌دهد

# چطور از یک فکر خوب یک پروژه عالی بسازیم؟

## ۱ تعریف دقیق ایده (ثبت رسمی ایده)

اولین قدم این است که ایده‌ات را از ذهن بیرون بیاوری و روی کاغذ ثبت کنی. این کار به آن شکل می‌دهد. از خودت بپرس: دقیقاً می‌خواهی چه چیزی خلق کنی؟ هدف چیست؟ زیبایی؟ حل مشکل؟ آموزش؟ یا سرگرمی؟ درویداد قبل، هنرجویی یک «بازی طاس برای یادگیری مفاهیم حسابداری» ساخته بود. هدف او کاملاً واضح بود: «یادگیری عمقی و مفرد درس‌های خدماتی و بازرگانی». این یک تعریف عالی از ایده است.

ایده اولیه مثل یک نونهال است. برای اینکه به درخت تنومندی تبدیل شود، به خاک حاصلخیز، آب و نور کافی نیاز دارد. این مواد مغذی، همان پژوهش و غنی‌سازی ایده است. در بررسی آثار دومین رویداد «هنرجوی برتر»، به وضوح دیدیم، پروژه‌هایی که پشتوانه تحقیقاتی قوی‌تری داشتند، حتی با امکانات محدود، بسیار درخشان تر ظاهر شدند. در این مرحله یاد می‌گیری چطور از ایده‌ات در برابر سؤال‌های سخت دفاع کنی و آن را از یک فکر گذرا به طرحی جامع و قابل اجرا تبدیل کنی.

## چرا غنی‌سازی ایده این قدر مهم است؟

پاسخ در یک کلمه است: ایجاد تمایز. درویداد قبل، آثار بسیاری بودند که از نظر فنی خوب بودند، اما آن‌هایی برنده شدند یا امکان بیشتری داشتند، که داستان بهتری برای گفتن داشتند. پژوهشی که پشت یک اثر باشد، به آن عمق و اعتبار می‌بخشد. برای مثال:

«یک تابلوی نقاشی که فقط یک تک‌چهره (پرتره) است، ممکن است زیبا باشد، اما اگر هنرجو توضیح دهد که این اثر از کدام سبک الهام گرفته، چه مفهومی را دنبال می‌کند و چگونه با فرهنگ ایرانی اسلامی ما ارتباط برقرار می‌کند (مثل برخی آثار ارسالی)، اثرش در ذهن داوران ماندگار می‌شود.

«یک نمونک (ماکت) چوبی ممکن است از نظر ساخت خوب باشد، اما اگر هنرجو بتواند در توضیحاتش بگوید که روی ابعاد استاندارد، راحتی کاربر (ارگونومی) و سبک معماری ایرانی چه تحقیقی انجام داده، پروژه‌اش به کلی متفاوت خواهد بود.

حالا همراه ما باشید تا پنج مرحله عملی غنی‌کردن ایده پروژه‌تان را به شما بگوییم. این پنج مرحله را به ترتیب دنبال کن:

## ۲ پژوهش میدانی (یادگیری از دوستان و رقبایان).

حالا نوبت آن است که ببینی دیگران چه کارهایی کرده‌اند. این کار به معنای رونویسی نیست، بلکه یادگیری و ایجاد تمایز است.

چه کارکنم؟ در فضای مجازی، کتاب‌ها و نمایشگاه‌ها به دنبال آثاری بگرد که شبیه ایده تو هستند.

مثلاً اگر می‌خواهی عروسک‌های پارچه‌ای بسازی، نمونه‌های خارجی و داخلی را ببین. درویداد قبل، یک هنرجو عروسک‌های روسی را بومی‌سازی کرده و برایشان لباس محلی دوخته بود تا هم زیباتر باشند و هم هویت ایرانی داشته باشند. این یعنی پژوهش و ایجاد تمایز! و چقدر هم کار جذابی از آب درآمده بود.

۳

### پژوهش فنی (مواد، ابزار و فن)

ایده تو با چه چیزی ساخته می‌شود؟ این مرحله بسیار مهم است.

- ❖ **مواد اولیه:** چه موادی نیاز داری؟ هزینه، دوام و رنگ آن چگونه است؟ آیا در دسترس است؟
- ❖ **ابزار و فن:** آیا کار با ابزار مورد نیاز را بلدی؟ اگر نه، چطور می‌توانی یاد بگیری؟
- ❖ در دومین رویداد هنرجوی برتر که چند اثر دربارهٔ صندلی چوبی تاشو و یک اثر دربارهٔ صندلی ریتم متحرک داشتیم، آن تیم حتماً تحقیق کرده که چه نوع چوبی، هم سبک است و هم مقاوم. یا هنرجوی دیگری که «تابلوهای چوبی با خط نستعلیق» می‌ساخت، باید روی نوع برش چوب، رنگ و ثبات آن تحقیق می‌کرد تا اثرش ترک برندارد.

علاوه بر پنج قدمی که گفته شد، حواست باشد از این اشتباه‌ها هم دوری کنی:

- ❖ **تحقیق نکردن:** ارسال اثر بدون هیچ توضیحی در مورد مفهوم یا روند ساخت. (متأسفانه چندین اثر در رویداد این‌گونه بودند و نمرهٔ کامل نگرفتند).

- ❖ **توجه نکردن به جزئیات:** یک هنرجو «جاکلیدی چوبی» ساخته بود که برشش عالی بود، اما داور اشاره کرد اگر روی رنگ آمیزی و بسته بندی برای فروش هم تحقیق می‌کرد، اثرش کامل ترمی شد.

- ❖ **ایده‌های کلی و تکراری:** ساخت یک «نمونهٔ خانه» بدون هیچ ویژگی خاص یا کاربردی. اما یک هنرجو «نمونهٔ یک تعمیرگاه مکانیکی» را با جزئیات بسیار بالا ساخته بود که کاملاً متمایز بود. برای چنین موضوعاتی بهتر است فکر کنیم این پروژه قرار است چه مشکلی را حل کند و بعد از آن به ساخت و ارسالش اقدام کنیم.

به یاد داشته باش، که غنی سازی ایده، پروژه تو را هوشمند و منحصر به فرد می‌کند. این مرحله پلی است بین یک رؤیا و یک دستاورد ملموس. روی آن وقت بگذار. در شمارهٔ آینده به سراغ گام بعدی، یعنی طراحی و برنامه ریزی اجرا، خواهیم رفت. یاد می‌گیری چگونه برای پروژه خودت یک نقشهٔ دقیق و بی نقص طراحی کنی.

۴

### دریافت بازخورد (ایده‌ها را در معرض نقد بگذار)

از ترس اینکه مبادا کسی ایده‌ها را بدزد یا مسخره کند، آن را پنهان نکن. بازخورد، سوخت پیشران ایده است.

- ❖ از چه کسانی نظر بخواهم؟ دبیران، هنرآموزان، دوستان صاحب نظر و حتی گروه‌های تخصصی در فضای مجازی.
- ❖ در رویداد قبل، در نظر داوران، دربارهٔ بسیاری از آثار اشاره شد که «بتر بود با ویدئو از روند کار توضیح داده می‌شد». این بازخورد بسیار ارزشمند است. اگر آن هنرجویان از دیگران نظرمی گرفتند، احتمالاً این نکته به آن‌ها گوشزد می‌شد و ارائهٔ بهتری می‌داشتند.

۵

### مستندسازی (تدوین سند پروژه)

تمام یافته‌ها را یک جا جمع کن. این کار به گنجینه‌ای می‌ماند که در مراحل بعدی به کمکت می‌آید.

- ❖ چطور؟ یک پوشه (در تلفن همراه یا رایانه) بساز و تمام عکس‌ها، طرح‌ها، یادداشت‌ها و پیوندهای مفید را در آن بریز.

- ❖ یک «توضیح پروژه» بنویس. در نهایت، در یک یا دو بند، به طور واضح و جذاب بنویس که این اثر چیست، برای کیست و چه هدفی دارد. این متن هم برای مجلهٔ رشد هنرجو و هم برای ارائه به داوران عالی خواهد بود.

# تاریخچه اختراع تلفن همراه

پرهام



پرهام قنبری

مغز تو رو خاموش  
کردن!»

پرهام که داشت سعی می‌کرد هم‌زمان چای بنوشه و گوشی رو نگه داره، چای رو ریخت رو شلوارش: «آخ! داغه! حالا باید تو گوگل بگردم لکه چای چطور پاک می‌شه!»

♦ حالا اینکه کار خوبیه، اما حس می‌کنم از وقتی این ماسماسک دست افتاده، عقلت رو هم کمتر به کار می‌ندازی. بله دیگه! عقلت رو دادی به این گوشی! این اختراعات عالی‌ای هستن، ولی تو رو واسیر کردن. صبح تا شب سرت تو اونه، انگار دنیا همون چهارتا اینچه! به روز بیا، گوشیتو خاموش کن، بریم پارک شطرنج بازی کنیم، یا حداقل دو کلمه حرف حساب بزنیم!

پرهام با قیافه‌ی مظلوم گفت: «خب، حالا چطوره که همه از اینا استفاده می‌کنن؟»

پدر بزرگ غرغر کرد: «همه؟ همه دارن اشتباه تو رو می‌کنن! این گوشی اربابت شده، پرهام! تو اربابش باش! به ساعت خاموشش کن، ببین آسمون چه رنگه!»

پرهام خندید و گفت: «باشه، ولی اگه گم شدم، تقصیر شماست!»

پدر بزرگ چشم غره رفت: «گم بشی، خودم پیدات می‌کنم! حالا شام چی می‌خوری، یا اونم باید از گوشی بپرسی؟»

«نه پدر بزرگ، خودم به مادربزرگ می‌گم. شما اون لیوان آب رو سربکش تا منم مطمئن بشم که شام امشب رو می‌بینم!»

پرهام روی کاناپه ولو شده بود. گوشی به دست، با انگشتانی که انگار به صفحه چسبیده بودند، تند تند صفحه‌ها را بالا و پایین (اسکرول) می‌کرد. پدر بزرگ با اخم و یک لیوان آب برای وقت مبدا در دستش، گفت: «پرهام! باز چسبیدی به اون جعبه جادویی؟! یه لحظه چشمتو بردار، چشمت کاسه خون شده!»

پرهام، که انگار تازه از سیاره دیگری برگشته بود، سرش را بلند کرد: «ها؟ چی؟ پدر بزرگ، این گوشی همه چیز داره! ببین، این فیلمه، اینم به بازی جدید... اوه، وای، وای، لایو!»

پدر بزرگ با حرص لیوان آب را گذاشت روی میز: «لایو؟ بچه جان، فکر نون باش که خریزه آبه! تو این رو می‌داری جای زندگی واقعی؟ خدا بگم کوپر رو چه کار کنه!»

«کوپر کیه پدر بزرگ؟! نگید که مخترع تلفن همراهه!»

♦ حالا من نگم، چیزی عوض می‌شه! بله، مخترع این پوست خریزه‌هاست که ول کرده زیر پای مردم عالم! البته تقصیر اون بنده خدا نیست. اون به بشر خدمت کرده. ماها بی جنبه‌ایم و تبدیلیش کردیم به این مصیبتی که الان توی دست توست!

پدر بزرگ بالاخره کمی آب نوشید و ادامه داد: «جونم برات بگه که اولین تلفن همراه رو مارتین کوپر تو سال ۱۹۷۳ ساخت. یه دستگاه بود اندازه کله‌ات! نیم ساعت شارژ داشت، فقطم زنگ می‌زد. نه لایو، نه بازی، نه این خزعلات! دهه‌های ۸۰ و ۹۰ نوکیا و موتورولا اومدن و گوشی‌ها کوچیک‌تر شدن. پیامک اومد، بعد دوربین و حالا این غولای هوشمند که انگار

دوست دارید  
از تاریخچه کدام اختراعات  
یا مشاغل بدانید؟ از پدر بزرگ سؤال کنید تا  
او پاسخ بدهد.  
در پیام رسان شاد یا نرم افزار بله به این  
شناسه کاربری (آیدی) پیام بدهید و  
سؤال هایتان را بپرسید.  
admin\_rosbd\_honarjo



### گذر بلوط

گذر بلوط سال گذشته، جرقه‌ی رؤیایی در دلمان روشن شد؛ خواستیم گوشه‌ای از هنرستان را زنده کنیم؛ جایی که هنر نه بردیوار، که در جان فضا جریان یابد. در میان راهروها، یکی را برگزیدیم؛ راهرویی عریض، خاموش و فراموش شده؛ مسیر هرروزه‌ی گام‌ها، اما بی‌نصیب از روح و نگاه. با داستان هنرجویان و خیال جمعی‌مان، رواق‌هایی ساختیم تا جان حرکت را در فضا بدمد؛ رواق‌هایی که گویی راه را به درون رؤیا با می‌کنند. در میان مسیر بعد از رواق‌ها، نخستین فضای مکث جان گرفت؛ پناهی کوچک برای تأمل، آکنده از بوی کتاب، سبزی گیاه، و قاب‌هایی از چهره‌هایی که با عشق، ردی از خود بردیوار این گذر گذاشته‌اند. هر هرگذر می‌تواند لحظه‌ای درنگ کند، کتابی برگزیند و با این فضا پیوند دوستی تازه‌ای ببندد.

رواق‌ها ادامه می‌یابند تا به فضای مکث دیگری برسیم؛ جایی نرم و آرام، با صندلی‌هایی راحت برای نشستن، گفت‌وگو و نفس کشیدن در دل هنر. آباژور و فرش حصیری، میزی ساده و تابلویی به نام «راه‌آورد»، این بخش را کامل می‌کنند. راه‌آورد تابلویی است از تلفیق هنرهای اصیل ایرانی؛ فرش، خطاطی، آینه‌کاری و بی‌تی از حافظ که بر آن می‌درخشد. ادامه بیت دیگر این شعر بر بالای رواق خروجی نشسته، تا شعرو فضا در هم تنیده و یکی شوند. این تابلو را به پاس همراهی و مهر، به حامی‌گران قدرمان، از صنعتگران کاشان، تقدیم کردیم. برای آنکه حس فضا کامل شود، بلندگویی در گوشه‌ای می‌نوازد آوای باد و پرندگان را، تا طبیعت نیز در این گذر نفس بکشد. نورها با ظرافت طراحی شده‌اند. ریسه‌هایی پنهان دور تابلو، آویزهای نور بالای گیاهان، نورافشان‌هایی بافته شده از نخ رافیا و آباژورهایی که به دست هنرجویان آفریده شده‌اند، همه در کنار هم، نغمه‌ای از زیبایی و آرامش می‌سازند. گذر بلوط حاصل تلاشی جمعی است؛ راهرویی ساده که حالا جان دارد، می‌تپد، می‌درخشد و نفس می‌کشد. اینجا نور و رنگ و صدا و خیال دست در دست هم داده‌اند تا هر هرگذر تجربه‌ای زنده و الهام بخش از حضور هنر را در زندگی لمس کند.

هنرستان حاج امیر کتابچی کاشان  
فروردین ماه ۱۴۰۴

ایران زیبا



یلدا، بهترین خانوادگی ایرانی

